

## سیاست‌گذاری عمومی با رویکرد رفتاری

میثم مظفر\*، علیرضا معینی\*\*، یاسر سبحانی فرد\*\*\*

### چکیده

سیاست‌های عمومی، از منظر رویکردها، روش‌ها، اهداف و موضوعات، متنوع و گوناگون هستند؛ در بسیاری از این سیاست‌ها، می‌توان این پرسش را مطرح نمود که چگونه با ایجاد تغییراتی در رفتار انسان‌ها و اجتماعات، می‌توان فواید و عوایدی را نصیب افراد و کل جامعه کرد؟ ترک اعتیاد به مواد مخدر و روان‌گردان، صرفه‌جویی در مصرف انرژی، قانون‌پذیری، استحکام و پایداری بیشتر نهاد خانواده، مشارکت سیاسی، بهبود رانندگی و رفتارهای ترافیکی، اصلاح عادات غذایی، کمک به هموعان، رعایت بهداشت و پیشگیری از بیماری‌ها و ده‌ها رفتار دیگر، همگی موضوعات رفتاری هستند که می‌توانند در معرض توجه سیاست‌گذاران حوزه‌های مختلف قرار بگیرند. هدف این پژوهش آن است که مولفه‌ها و الزامات اجرای سیاست‌گذاری عمومی با رویکرد رفتاری شناسایی گردد. استراتژی پژوهش، مرور سیستماتیک ادبیات و تکنیک مورد استفاده، تحلیل مضمون بود. در مجموع ۳۷۶ پژوهش/مقاله طی ۴ مرحله پالایش شد و در انتها، ۱۹۱ پژوهش باقی ماند. این مقالات از ۶ پایگاه داده معتبر بین‌المللی (ScienceDirect، Emerald، Sage، Springer، Wiley و Routledge) استخراج گردید. طبق یافته‌ها، ۹۸ گزاره معنی‌دار، ۱۲۶ کد و در نهایت، ۸ مضمون به عنوان مولفه‌های سیاست‌گذاری رفتاری شناسایی گردید: (۱) ساختاردهی به انتخاب‌ها، (۲) حفظ آزادی و اختیار، (۳) اهرم‌سازی محدودیت‌ها و سوگیری‌های شناختی، (۴) قییم‌مآبی و لیبرالیسم، (۵) اطلاعات‌محوری، (۶) شواهدمحوری، (۷) دست‌کاری هنجارها، ترجیحات و باورها، و (۸) قراردادگرایی اجتماعی. به علاوه، ۱۱۷ گزاره معنی‌دار، ۱۳۳ کد و در نهایت، ۲۴ مضمون به مثابه الزامات اجرایی سیاست‌گذاری رفتاری شناسایی گردید.

کلیدواژه‌ها: سیاست‌گذاری عمومی، بینش رفتاری، الزامات اجرایی.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۹/۱۸ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۵/۱۱

\* دانشجوی دکتری، دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران.

\*\* دانشیار، دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Email: moini@iust.ac.ir

\*\*\* دانشیار، دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران.

## ۱. مقدمه

سیاست‌های عمومی<sup>۱</sup>، از منظر رویکردها، روش‌ها، اهداف و موضوعات، متنوع و گوناگون هستند؛ می‌توان سیاست‌گذاری سیاسی، اقتصادی (صنعتی و فناوری، پولی و مالی)، اجتماعی، آموزشی و فرهنگی، زیست‌محیطی، انرژی، شهری (مانند حمل‌ونقل و شهرسازی) و بهداشتی را از بسیاری جهات با یکدیگر متفاوت دانست؛ اما شاید بتوان گفت در تمامی این حوزه‌ها، انسان و اجتماعات انسانی در کانون تمرکز سیاست‌گذاران قرار می‌گیرد [۲۳]. در بسیاری از این سیاست‌ها، می‌توان این پرسش را مطرح نمود که چگونه با ایجاد تغییراتی در رفتار انسان‌ها و اجتماعات، می‌توان فواید و عوایدی را نصیب افراد و کل جامعه کرد؟ ترک اعتیاد به مواد مخدر و روان‌گردان، صرفه‌جویی در مصرف انرژی، قانون‌پذیری، استحکام و پایداری بیشتر نهاد خانواده، مشارکت سیاسی، بهبود رانندگی و رفتارهای ترافیکی، اصلاح عادات غذایی، کمک به هم‌نوعان، رعایت بهداشت و پیشگیری از بیماری‌ها و ده‌ها رفتار دیگر، همگی موضوعات رفتاری هستند که می‌توانند در معرض توجه سیاست‌گذاران حوزه‌های مختلف قرار بگیرند [۴]. در کشورهای توسعه‌یافته، حکومت‌ها (فارغ از درستی و غلطی اهدافشان) به روش‌های پیچیده‌ای برای کنترل جامعه و جهت‌دهی رفتارهای اجتماعی شهروندان دست‌یافته‌اند و طوری به مداخله در جامعه می‌پردازند که شهروندان با رضایت، احساس مثبت و کاملاً با اختیار خود، رفتارهایی همسو با منافع خود و کل جامعه را بروز دهند. سیاست‌گذاران در این کشورها، قانون‌مندی‌ها و پویایی‌های حاکم بر رفتارهای افراد و اجتماعات را به خوبی شناخته و از آن‌ها بهره می‌گیرند و با بهره‌مندی از آن‌ها، رفتارهای سالم (طبعاً با معیارهای خودشان)، جوامع منسجم و نظام‌های پایداری را ایجاد کرده‌اند. سرچشمه این روش‌ها و تکنیک‌های پیچیده را می‌توان در حوزه‌های مختلف علوم انسانی جستجو کرد: اقتصاد، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی، علوم شناختی، علوم سیاسی، ارتباطات و رسانه، مدیریت و بازاریابی [۵]. برخی از رویکردهای رایج در سیاست‌های تغییر رفتار، در چهار دسته طبقه‌بندی شده‌اند: الف) استفاده مستقیم از قوه سلطه، اقتدار حکومت و اجاب‌های انتظامی، ب) آموزش، توجیه منطقی و علمی، آگاهی‌بخشی و انتقال اطلاعات و دانش، ج) طراحی سازوکارهای هزینه-فایده و تنظیم ساختارهای جهت‌دهنده به رفتار، و د) استفاده از میانبرهای ذهنی، نیمه‌آگاهانه و فرایندهای روان‌شناختی [۱].

واقعیت این است که بسیاری از رفتارهای روزمره بشر با تأمل و حتی آگاهانه صورت نمی‌گیرد، بلکه مبتنی بر احساسات، عادات، انتظارات اطرافیان، شرایط محیطی، خطاهای ادراکی و شناختی هستند [۸]. این سوال مطرح است که چگونه می‌توان پیچیدگی رفتار آدمی را در سیاست‌گذاری لحاظ کرد؟ تغییر در سیستم‌های پیچیده و گسترده انسانی و اجتماعی (و آن‌هم در کوتاه‌مدت)، احتمالاً بسیار محدود است و سیاست‌مداران، دانشگاهیان و مردم باید مقیاس ذهنی خود را متناسب با واقعیات تنظیم کنند [۱۰]. تجربیات بشری مخصوصاً در دهه‌های اخیر نشان می‌دهد با اینکه حکومت، فقط یکی از عوامل مؤثر بر رفتارهای بشر به شمار می‌رود، اما می‌تواند نقش چشمگیری در تغییرات اجتماعی ایفا کند. پرسش‌هایی مانند اینکه آیا حکومت حق دارد با استفاده از ابزارهای قدرتمند رفتاری، بر رفتارها و انتخاب‌های افراد اثر بگذارد؟ در چه حوزه‌هایی می‌تواند و در چه حوزه‌هایی نباید ورود کند؟ محدودیت‌ها و ملاحظات اخلاقی مربوط به هر یک از ابزارهای حکومت در تغییر رفتار، کدامند؟ [۱۸]. سیاست‌گذاری رفتاری به منزله استفاده از ابزارهایی جهت تحلیل و هدایت رفتار شهروندان در محیطی است که آن محیط خود هدایت‌کننده به سمت رفتار مطلوب است. رویکرد رفتاری در عرصه سیاست‌گذاری نوین، به طور ناخودآگاه و شناختی، در صدد تسهیل دستیابی به اهداف سیاست‌گذاری و کمک به تحقق آن است. سیاست‌گذاری رفتاری موجب می‌شود که سیاست‌هایی اثربخش‌تر، به صرفه‌تر، و همراه با پذیرش و رغبت بیشتر افراد جامعه طراحی شود [۲۱].

<sup>۱</sup> Public policies

در سیاست‌گذاری رفتاری به‌جای ابلاغ سیاست‌ها، اهداف سیاستی در چند لایه پنهان و مستتر می‌گردد و شرایط به‌گونه‌ای فراهم می‌شود که مخاطب سیاست، یعنی عموم جامعه یا جامعه هدف خاص، ناخودآگاه آن رفتاری را در شرایط محیطی و زمینه‌ای از خود بروز می‌دهد که خواست و هدف سیاست‌های حاکمیتی است. برخی از ابزارهای سیاست‌گذاری رفتاری شامل نقش‌آفرینی حداکثری، ترویج آگاهی‌های اجتماعی در بین اعضای جامعه، ساده‌سازی تصمیمات و برانگیختن افراد از طریق بازی‌وارسازی است. بنابراین، سیاست‌گذاری رفتاری با در نظر گرفتن محدودیت‌های شناختی بشر، سیاست‌گذاری سنتی را تکمیل می‌کند. به همین دلیل، در بسیاری از کشورهای توسعه یافته، حکومت‌ها برای کنترل جامعه و جهت‌دهی رفتارهای اجتماعی شهروندان مبادرت به سیاست‌گذاری با رویکرد رفتاری با استفاده از روش‌های پیچیده‌ای نموده‌اند. برای مثال، دانشگاه هاروارد از سال ۲۰۰۸، مشاوره‌های سیاستی خود را در زمینه سیاست‌گذاری رفتاری آغاز نموده و پروژه‌های متعددی در این زمینه تعریف کرده است. یکی از اقدامات آن، ارزیابی سیاست‌های آمریکا در تطابق با سیاست‌گذاری رفتاری است. دولت مالزی نیز برای کاهش سرانه هزینه‌های سلامت خود، اقدام به برگزاری پویش ملی «قدم‌هاتو بشمار» نموده است. این کمپین در صدد تحریک و تشویق عادات زندگی سالم در شهروندان است. مثلاً، کشورها می‌توانند نرخ چاقی را از طریق این نوع سیاست‌های رفتاری در حوزه سلامت کاهش دهند. توجه به سیاست‌گذاری رفتاری از دولت تونی بلر در بریتانیا آغاز به کار کرد و منجر به تاسیس واحدهای اقتصاد رفتاری در دفتر دولت و سپس تصویب برنامه اصلاحات خدمات ملی بر اساس بینش رفتاری در کلیه سطوح شد [۱۱]. ایالات متحده نیز بعد از بریتانیا و با دستور اوباما، بهره‌گیری از سیاست‌گذاری رفتاری را به‌طور گسترده‌ای در دستور کار خود قرار داد.

علی‌رغم اهمیت مبحث سیاست‌گذاری رفتاری در نهادهای حاکمیتی و نیز لزوم اصلاح یا بهبود در شیوه‌های سیاست‌گذاری عمومی، مطالعات اندکی به شناسایی مولفه‌ها و الزامات اجرای سیاست‌گذاری عمومی با رویکرد رفتاری پرداخته‌اند. با قوت گرفتن بینش رفتاری، چارچوب‌ها و ابزارهای سیاستی مفیدی برای تدوین سیاست‌ها ایجاد شده و با بیان نقایص موجود در سیاست‌های گذشته، راه‌های مقابله با آن نیز در اختیار تصمیم‌گیران کشور قرار گرفته است. متخصصان سیاستی معتقدند تصمیمات موفق در یک کشور، لزوماً نمی‌تواند اثراتی مشابه در کشوری دیگر داشته باشد و دوران ابراز بی‌محابای گزاره‌هایی کلی نظیر «در تمام دنیا اثبات شده است» یا «همه دنیا تجربه کرده است» به سر آمده است. پیشرفت‌های فناوریانه، امکان دسترسی گسترده به آمار و اطلاعات، پدید آمدن روش‌های جدید پژوهش و نیز افزایش توجه عمومی به میزان اثربخشی سیاست‌ها، اتخاذ تصمیمات صحیح و اثرگذار را در کشور بیش از پیش حائز اهمیت کرده است. سیاست‌گذار باید به شواهد محیطی و رفتاری جامعه هدف توجه ویژه‌ای داشته باشد و با استفاده از ابزارهای مختلف، تاثیر این پارامترها را در اثرگذاری نهایی سیاست لحاظ کند. خلاء این موضوع در ایران به شدت احساس می‌شود و ضروری است سیاست‌گذار با توجه به محدودیت‌های شواهد کمی و مطالعات تجربی موجود و با پرهیز از آفت «شاخص‌زدگی»، در مسیر اتخاذ تصمیمات مناسب‌تر گام بردارد. بنابراین، مطالعه حاضر تلاش دارد به دو سوال پاسخ دهد: (۱) مولفه‌های سیاست‌های عمومی با رویکرد رفتاری کدامند؟ و (۲) الزامات اجرایی جهت پیاده‌سازی سیاست‌گذاری عمومی با رویکرد رفتاری چیست؟

## ۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

**مبانی نظری.** سیاست‌گذاری عمومی با رویکرد رفتاری تلاش می‌کند با به کارگیری یافته‌های علوم رفتاری و علوم اجتماعی و کاربرست آنها در مسائل سیاستی مختلف، به بهبود اثرگذاری ماندگار این سیاست‌ها در تغییر رفتار مردم بپردازد. حال ممکن است این سوال مطرح شود که چرا دولت‌ها باید به این مساله (تغییر رفتار مردم) توجه کنند. سه دلیل قانع‌کننده وجود دارد که دولت‌ها باید برای ارتقای آزادی و رفاه به مباحث مطرح در حوزه

علوم رفتاری توجه ویژه نمایند و آنها را در سیاست‌گذاری‌های خود به کار برند [۹]: الف) انجام این کار به افراد کمک می‌کند تا به اهداف خود برسند. برای مثال، یادآوری کردن به افراد برای صرفه‌جویی در هزینه‌ها یا یادآوری برای مصرف دارو می‌تواند به افراد در رسیدن به اهدافشان کمک کند. تطبیق زمان دریافت پارانها اجتماعی با زمان ثبت نام مدارس می‌تواند در ترغیب والدین به ثبت نام کودکان در مدرسه تاثیر بگذارد؛ ب) به دلیل اینکه تصمیم‌گیری غالباً بر اساس اطلاعاتی است که صرفاً برجسته یا در دسترس هستند و همچنین تحت تاثیر عوامل دیگری همچون فشارهای اجتماعی و مدل‌های ذهنی افراد قرار دارند، ترجیحات و اهداف فوری افراد، همیشه براساس علایق و منافع آنها برآورده نمی‌شود. اگر افراد پول و زمان بیشتری برای فکر کردن داشته باشند، ممکن است به شیوه‌های مختلف، بر اساس این که تا چه حد با بالاترین آرزوی آنها تطابق دارد، انتخاب کنند. این فرض که افراد همیشه تصمیماتی می‌گیرند که منافع و سود خود را به حداکثر برسانند، عمدتاً یک معیار اساسی برای تحلیلگران یک سیاست است که اتفاقاً مطالعات بسیاری این فرض اولیه را زیر سوال برده است؛ ج) ممکن است افراد از اعمال خاصی اجتناب کنند، چرا که گاهی تبعیض‌ها و نابرابری‌های موجود در جامعه آنها را به مسیر خاصی هدایت کرده است. وابستگی‌های اجتماعی و مدل‌های ذهنی مشترک اغلب اوقات با ایجاد دام‌هایی برای جوامع و افراد، همچون اعتماد کم، تعصبات قومی و تبعیض‌های جنسیتی بر انتخاب‌ها تاثیرات معناداری می‌گذارد. پرداخت مالیات، فساد و حفاظت از محیط زیست مثال‌هایی هستند که به انتخاب‌های متقابل همه افراد جامعه وابسته است. اینها شرایطی هستند که در آن رفتار عموم مردم بر اساس مدل‌های ذهنی و هنجارهای اجتماعی صورت می‌گیرد و ممکن است باعث شوند برخی از رفتارها بهتر و برخی دیگر بدتر شوند [۱۲].

از آنجا که سیاست‌گذاران و خبرگان خدمات عمومی با این چالش دست و پنجه نرم می‌کنند که چگونه با هزینه پایین‌تر به نتایج مطلوب‌تر دست یابند، چالش‌های مالی دولت می‌تواند گرایش به تغییر رفتار را در شهروندان تشدید نماید؛ گرچه این مساله (چالش مالی) می‌تواند منجر به این گردد که برخی از نهادهای حاکمیتی به کلی از رویکردهای نوآورانه برای تغییر رفتار اجتناب ورزند. در هر صورت، کنش‌های سیاست‌گذاران، خبرگان خدمات عمومی، بازارها و شهروندان، تاثیرات قابل توجه و اغلب ناخواسته‌ای بر رفتار افراد دارد. ما همواره در حال شکل دادن به رفتارهای یکدیگر می‌باشیم. باید دانست که حاکمیت تنها یک عامل از میان عوامل تاثیرگذار بر رفتار شهروندان است. سیاست‌های موفقیت‌آمیز متعددی در زمینه تغییر رفتار وجود داشته است. برای مثال جلوگیری از انتقال ایدز و افزایش استفاده از کمربند ایمنی. با این وجود، برخی رفتارها (همچون رفتارهای ضد اجتماعی) در برابر مداخله‌های سیاستی، مقاومت می‌کنند [۷]. لذا باید شیوه‌های یکپارچه‌تر و نوآورانه‌تری شناسایی گردد که سیاست‌گذاران بتوانند از طریق آنها به گونه‌ای مداخله نمایند که تا مردم را ترغیب به کمک به آنها نمایند. کارآمدترین و پایدارترین تغییرات رفتاری، نتیجه یکپارچه‌سازی موفق فرهنگ، تنظیم‌گری<sup>۱</sup> و تغییرات فردی است. در سیاست‌گذاری رفتاری، از شیوه‌های سخت و توأم با زور به کاربست‌های نرم سیاست سوق یافته می‌شود: شیوه‌هایی همسو با طبع و سرشت انسانی و نه به زور بازداشتن<sup>۲</sup> انسان از مسیر غلط. اساساً دو شیوه برای اندیشیدن به تغییر رفتار در شهروندان وجود دارد. شیوه اول مبتنی بر تاثیرگذاری بر چیزی است که مردم آگاهانه در فکر آن هستند. این شیوه را الگوی عقلانی یا شناختی<sup>۳</sup> می‌نامند. بیشتر مداخلات سنتی در سیاست‌گذاری عمومی، از این مسیر می‌گذرد. در این الگو، فرض اصلی این است که شهروندان و مصرف‌کنندگان، بخش‌های گوناگون اطلاعاتی که از سیاست‌گذاران، حکومت‌ها و بازارها دریافت می‌کنند و نیز مشوق‌های فراوانی که به ایشان ارائه می‌شود را

<sup>۱</sup> Regulatory

<sup>۲</sup> Rubbing up

<sup>۳</sup> Rational or cognitive

تحلیل خواهند کرد و بدین‌سان عمل ایشان بازتابی است از برترین علایق و منافعشان؛ به عبارت دیگر، ایشان برترین علایق خود را تعیین می‌کنند یا سیاست‌گذاران، برترین علایق آنها را تعیین می‌نمایند. الگوی دیگری نیز برای تغییر رفتار وجود دارد که به فرآیندهای غیرارادی‌تر داوری و تاثیرگذاری توجه می‌کند. این الگو تمرکز را از انتقال وقایع و اطلاعات برمی‌دارد و به تغییر بافت و زمینه‌ای که مردم در آن عمل می‌کنند، توجه می‌نماید. این الگو را الگوی بافت تغییر رفتار نیز می‌نامند. الگوی بافت مشخص می‌کند که گاه انتخاب‌های مردم غیرعقلانی و متناقض به نظر می‌رسد، اغلب بدین خاطر که ایشان تحت تاثیر عوامل پیرامونی قرار دارند؛ بنابراین، این الگو بیشتر بر تغییر رفتار بدون تغییر ذهن‌ها تمرکز می‌کند. سیاست‌گذاران کمتر به این الگو توجه کرده‌اند [۷].

تجربه دیلویت<sup>۱</sup> حاکی از آن بود که رویکردهای رفتاری در شمار قوی‌ترین و کاراترین ابزارهای موجود است، ولی برای استفاده کارآمد از آنها باید شهروندان و محرک‌های رفتاری آنها را درک کرد. مداخلات رفتاری به دقت مدیریت شده، می‌تواند داده‌ها و بینش‌های مهمی را به همراه داشته باشد و بدین ترتیب، یک پایگاه شواهد کمی به وجود آورد. این پایگاه شواهد نه تنها امکان نمایش مستمر سیاست مورد نظر را فراهم می‌آورد، بلکه از سیاست‌گذاری‌های مستمر نیز حمایت می‌کند. این مداخلات سازمان‌هایی را پدید می‌آورد که از نظر اطلاعاتی و بینشی غنی هستند و در نتیجه بهتر می‌توانند از هزینه‌ها و شکست‌ها در سیاست‌گذاری پرهیز کنند. همچنین، مطلوب‌تر و به صرفه‌تر به نتایج سیاستی پیچیده منتج می‌شوند [۶]. نتایج پژوهشی که در سال ۲۰۱۶ توسط هاردویک<sup>۲</sup> روی بیش از ۲۰۰ آمریکایی، متشکل از قانونگذاران دولتی و شهرداران ۴۵ ایالت انجام گرفت، تاییدکننده لزوم حمایت سیاست‌گذاران از تلاش‌ها برای تغییر رفتار شهروندی بود. این نتایج عبارتند از [۱۵]:

- ۷۹ درصد، از کمپین‌های آموزشی/اطلاعاتی برای تغییر رفتار حمایت کرده‌اند.
- ۶۰ درصد، از افزایش جدیت در اجرای قوانین موجود و ۴۵ درصد نیز از ایجاد یک قانون جدید حمایت کرده‌اند.

سیاست‌گذاران، به ویژه مقامات عالی‌رتبه، مدیران موسسات و مدیران برنامه‌ها، از دو ابزار برای تاثیرگذاری بر رفتار شهروندان به نحوی که هم برای فرد و هم جامعه مفید باشد، کمک گرفته‌اند: قانون و آموزش. وقتی که یک اردوی آموزشی (مثل کمر بند رو ببند<sup>۳</sup>) به سطح مطلوبی از تغییر رفتار دست پیدا نکند، رویکرد قانونی، از طریق افزایش جدیت در اجرای قانون فعلی یا تصویب قانون جدید، مد نظر قرار می‌گیرد (مانند کلیک کن یا بلیط بخر<sup>۴</sup>). رویکرد سومی با کارکرد بازاریابی اجتماعی مطرح شده است، که اثربخشی خود را در دستیابی به نرخ بالای تغییر رفتار و مهمتر از آن، بالاترین نرخ بازده سرمایه‌گذاری منابع، به خوبی اثبات کرده است [۱۵]. وجوه تمایز و مولفه‌های اصلی این ابزارها در جدول ۱ و شکل ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. سه ابزار اصلی برای تغییر رفتار شهروندان [۱۵]

ابزار	پیش فرض	تاکتیک‌ها
آموزش (نشانه بده <sup>۵</sup> )	اطلاعات به تنهایی می‌تواند ترغیب‌کننده تغییر رفتار باشد. این اطلاعات اغلب جدیدند، ضروری‌اند، یا به شکل عمومی و مکررا منتشر می‌شوند	پیام‌هایی که رفتار مورد نظر و منطق آن را توضیح می‌دهند و در بسیاری از کانال‌های رسانه‌ای، بروشورها، تابلوها، پوسترها، بسته‌بندی مواد،

<sup>۱</sup> Deloitte

<sup>۲</sup> Hardwick

<sup>۳</sup> Buckle Up

<sup>۴</sup> Click it or Ticket

<sup>۵</sup> Show Me

<p>شبکه‌های اجتماعی، اخبار، و اعلامیه‌های عمومی دیده می‌شوند (مثلاً دخانیات کشنده است)<sup>۱</sup></p>	
<p>تمامی ابزارهای لازم در جعبه ابزار بازاریابی وجود دارند. آنچه مهم است حذف موانع و ارائه مزایاست. این ابزارها، که با نام P۴ شناخته می‌شوند، عبارتند از محصول، قیمت، مکان (توزیع)، و ترویج (برای مثال، کار با اپلیکیشن SmartQuick را برای کمک به ترک مصرف دخانیات، دود و سیگارهای الکترونیکی فرا بگیرید)</p>	<p><b>بازاریابی اجتماعی (کمکم کن)<sup>۲</sup></b> برای تغییر رفتار چیزی فراتر از کلمات مورد نیاز است</p>
<p>پیام هایی در خصوص قوانین، جریمه ها، و احتمال دستگیری در نقطه تصمیم، لحظه خرید، و مکان های عمومی، به افراد گوشزد می‌شود (مثلاً در فاصله ۶ متری این ساختمان سیگار نکشید)</p>	<p><b>قانون (مجبورم کن)<sup>۳</sup></b> تغییر رفتار بدون وضع قانون جدید، جریمه‌های سنگین‌تر، و افزایش فشار امکان‌پذیر نمی‌باشد</p>



آموزش: فضولات حیوانات ناقل بیماری هستند، عقب‌تر از حیوان خود راه بروید و فضولات آن را پاک کنید. لطفاً این مکان را پاکیزه نگه دارید.



بازاریابی اجتماعی: تعبیه ابزار جمع‌آوری فضولات حیوانی در پارک



قانون: عقب‌تر از حیوان خود راه بروید و فضولات آن را پاک کنید در غیر این صورت، ۱۵۰ دلار جریمه خواهید شد

شکل ۱. سه رویکرد اثرگذاری برای شهروندان به منظور جمع‌آوری فضولات حیوانات خانگی

الف) آموزش: مقصود از رویکرد آموزش برای تغییر رفتار، پیام‌هایی است که با هدف آگاهی بخشی و ترغیب یک مخاطب به پذیرش رفتار مطلوب، ارائه می‌شود. تغییر رفتار مورد نظر ممکن است یک اولویت بر مبنای پژوهش‌های علمی جدید (به عنوان مثال، افزایش احتمال ابتلا به سندرم ری با مصرف اسپیرین در کودکان)، یک روند نگران‌کننده (به عنوان مثال، کاهش جمعیت ماهی‌های قزل‌آلا)، یا یک رخداد فاجعه‌آمیز (مانند طوفانی قریب الوقوع) باشد. در چنین شرایطی، بخش قابل توجهی از شهروندان، مزایای بالقوه و اهمیت آنها نسبت به هزینه‌های درک‌شده را تشخیص داده و بلافاصله اقدام مورد نظر صورت می‌گیرد. این گزینه را رویکرد «فقط به من نشان بده» می‌نامند [۱۵].

ب) بازاریابی اجتماعی: با استفاده از اصول و فنون بازاریابی و با هدف کسب منافع فردی و جمعی، سعی در اثرگذاری بر تغییر رفتار دارد. هسته مرکزی این فرایند شامل شناسایی موانع و منافع مخاطبان هدف برای انجام رفتار مورد نظر و سپس فراهم کردن آمیخته بازاریابی برای کاهش این موانع و ارائه منافع مطلوب است. برای بسیاری از رفتارها، این کار مستلزم ایجاد یا توسعه یک محصول (مانند برنامه‌های بهبود محل کار)، ارائه یک استراتژی انگیزشی/قیمت (مانند کاهش هزینه‌های درمان و سلامت)، ایجاد دسترسی آسان/مکان (مانند مراکز

<sup>۱</sup> Tobacco kills

<sup>۲</sup> Help me

<sup>۳</sup> Make me

ورزشی در محل کار)، ترویج/ارتباطات متقاعد کننده (مانند برگزاری نمایشگاه سلامت) است. این رویکرد زمانی بیشترین تاثیر را دارد که جامعه هدف با رفتار مورد نظر عجین شده و بخش غالب آن خواهان تغییر رفتار باشند. این مورد را رویکرد «باید به من کمک کنی» می‌نامند [۱۵].

ج) قانون: این ابزار مستلزم استفاده از اجبار برای تغییر رفتار است و ممکن است از طریق تصویب یک قانون جدید و سخت‌گیرانه، افزایش فشار برای اجرای قوانین موجود و یا اعمال مجازات‌های سنگین به دلیل عدم رعایت قانون، صورت گیرد. استفاده از این ابزار زمانی مناسب است که بزرگترین بخش، یا تنها بخش باقی‌مانده، رفتار مطلوب را نپذیرفته و تمایل و قصدی هم برای انجام آن نداشته باشد. این بخش را گروه «باید مرا مجبور کنید» می‌نامند [۱۵].

**پیشینه پژوهش.** امیری (۱۳۹۶) [۲] بیان داشت که میزان فرار مالیاتی در کشور با وجود اقدامات صورت پذیرفته روند روبه‌رشدی داشته است. به زعم وی، بررسی مولفه‌های اقتصاد رفتاری در خصوص عوامل موثر بر فرار مالیاتی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های سیاست‌گذاری در این رویکرد می‌تواند در کاهش فرار مالیاتی در کشور و همچنین افزایش کارایی نظام مالیاتی موثر باشد.

به اعتقاد موسوی و همکاران (۱۳۹۵)، تلنگرها یکی از راه‌های تاثیرگذاری علوم رفتاری بر طراحی و اجرای سیاست‌گذاری‌های مختلف است. تلنگر، سیاستی است که بدون آن که تغییر قابل توجهی در مجموعه‌ای از گزینه‌ها ایجاد شود، به تغییر رفتار می‌انجامد. در این راستا واحدهای تلنگری نیز بوجود آمده‌اند که با تعهد بیشتری از مطالعات اقتصاد رفتاری برای تغییر رفتار مردم استفاده می‌کنند و تاکنون با انجام مداخلات بسیار اثربخشی این بینش‌های رفتاری را مورد بررسی قرار داده و در قالب یک پیشنهاد سیاستی به سیاستگذار ارائه کرده‌اند.

کشاورز و همکاران (۱۳۹۵) [۱۳] مطالعه‌ای را به شیوه تلفیقی متوالی کیفی-کمی انجام داده و دریافته‌اند که پس از مداخله آموزشی، میانگین امتیازات نگرش، هنجار فردی، درک کنترل رفتار، خودکارآمدی، قصد و رفتار نسبت به رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت در گروه مداخله افزایش یافت. بیشترین تفاوت میانگین در حیطه خودکارآمدی بود.

رهبر و امیری (۱۳۹۳) [۱۹] به این نتایج رسیدند: الف) در اقتصاد رفتاری، مدل‌های سیاست‌گذاری بسیار پیچیده‌تر از آن است که در به شکل متعارف در نظر گرفته می‌شود. بنابراین سیاست‌گذاران باید ضمن درک پیچیدگی‌ها، توان خود را برای رویایی با آنها از جمله با بهره‌گیری از مطالعات و ارزیابی‌های تجربی افزایش دهند؛ ب) در اقتصاد رفتاری سیاست‌ها باید بر مبنای رابطه متقابل با محیط طراحی شود و شناخت از محیط، ما را به جهت‌گیری‌های جدید رهنمون می‌سازد. برخی از این عوامل موثر شامل هویت اجتماعی، هنجارهای اجتماعی، نهادهای اجتماعی و مذهبی، ارزش‌ها، باورها و عقاید جامعه است.

انصاری و همکاران (۱۳۹۴) [۳] تلاش کردند تا افزون بر بررسی روش‌شناسی اقتصاد رفتاری، مهم‌ترین و پرکاربردترین بازی‌های رفتاری شامل معمای زندانی، کالای عمومی، اخطار، استبداد، اعتماد، مبادله-هدیه، و بازی تنبیه شخص ثالث را بررسی کنند.

منظور و طاهری (۱۳۹۲) [۱۶] نشان دادند که تنها با فرض عقلانیت و بدون در نظر گرفتن سایر عوامل به‌ویژه محدودیت‌های رفتاری و روانی تصمیم‌گیران نمی‌توان تحلیل واقع‌گرایانه‌ای از رفتار اقتصادی ارائه نمود. در این راستا سه محدودیت رفتاری اساسی معرفی شد که در تحلیل‌های اقتصادی باید مورد توجه قرار گیرد: کران‌دار بودن عقلانیت، کران‌دار بودن اراده انسانی و کران‌دار بودن منفعت‌طلبی. لذا، روندی که تلفیق اقتصاد و روانشناسی تاکنون پیموده است به سه دوره اقتصاد رفتاری قدیم، دوران گذار و اقتصاد رفتاری نوین تقسیم می‌شود.

استراسهیم<sup>۱</sup> (۲۰۲۰) [۲۱] به کاربردهای سیاسی سیاست‌گذاری عمومی رفتاری برای حاکمیت و مشارکت دموکراتیک پرداخت. این محقق بر این باور بود که این یک مورد تأثیرگذار است که نشانگر اقدامات پسادموکراتیک برای دستیابی به اقتدار جهانی و بازتعریف دموکراسی و شهروندی می‌باشد. این محقق استدلال خود را بر دو فرض استوار کرد: اول، ظهور و گسترش سیاست‌های عمومی رفتاری را می‌توان تنها نتیجه تعاملات جهانی دانست. دوم، متخصصان رفتاری می‌توانند ترکیبی از اقتدار سیاسی و معرفتی را مدیریت کنند. بر اساس آزمایش‌های کنترل شده تصادفی، بینش‌های رفتاری منجر به شک و تردید در مورد علت شکست‌های شهروندان و جایگزینی دموکراسی با یک معرفت دموکراتیک، یعنی یک دولت خبره می‌شوند. در حالی که گفتمان رفتاری، بازتاب انتقادی در مورد دموکراسی عامدانه است، طرفداران این رویکرد باید از سوگیری‌های پسا دموکراتیک آگاه باشند.

گامبرت<sup>۲</sup> (۲۰۱۹) [۱۱] با استفاده از «سوپر مارکت آینده COOP» به عنوان یک مطالعه موردی، نشان داد که چگونه بازیگران بخش خصوصی به طور فزاینده‌ای در هدایت انتخاب مصرف کننده به سمت اقدامات مطلوب اجتماعی مشارکت می‌کنند. تحلیل‌ها نشان داد که طراحی محیط‌های انتخابی ممکن است تحت شرایطی خاص، حساسیت افراد را نسبت به تأثیر ترجیحات شرکت‌ها افزایش دهد و به طور همزمان، دورنمای مشروعیت دموکراتیک و تصمیم‌گیری را تضعیف کند.

وانونی<sup>۳</sup> (۲۰۱۹) [۲۳] با استفاده از مجموعه‌ای از مواردی که امکان آزمایش اثرات اقدامات کنترل دخانیات در کشورهای اروپایی را روی یک سری متغیرهای مربوطه، تأیید کرد که اقدامات مربوط به کنترل دخانیات، عموم مردم را به پذیرش مقررات بیشتر متمایل می‌کند. با این حال، هنگامی که اثرات این سیاست‌ها به تفکیک بین افراد سیگاری و غیر سیگاری بررسی شد، نتایج نشان داد که این اثرات مثبت را افراد سیگاری هدایت کنند. این اثرات متفاوت در مقایسه با اثرات جمعی بازخورد سیاست‌گذاری نگرشی، ناشی از یادگیری از تجربه مستقیم است و می‌تواند علت واکنش مثبت به کنترل دخانیات را تبیین نماید. این محقق، یک نظریه رفتاری در مورد بازخورد سیاست ارائه کرد که نشان داد افراد سیگاری نسبت به اعمال اقدامات کنترل دخانیات واکنش مثبت نشان می‌دهند زیرا این اقدامات، ابزارهای تعهدآوری هستند که می‌تواند به آنها در ترک سیگار کمک کند.

کوهنهانس<sup>۴</sup> (۲۰۱۹) [۱۴] معتقد است بینش رفتاری ابزاری قدرتمند برای تغییر شکل و طراحی سیاست جدید مبتنی بر شواهد ارائه می‌دهد. با این حال، طراحان باید از فرضیات اساسی در مورد رفتارهای فردی، گستردگی اختیاراتی که رویکرد تلنگر ادعا می‌کند و چالش‌های پیش روی طراحی اثربخش سیاست، آگاهی داشته باشند.

تامرس<sup>۵</sup> (۲۰۱۹) [۲۲] به ارائه چارچوبی مفهومی پرداخت که به تحلیل اینکه آیا سیاست‌های عمومی برای تحریک تغییر رفتار اثربخش هستند و توسط ذینفعان حمایت می‌شوند، کمک می‌کند. این چارچوب مفهومی دارای پنج معیار بود که نشان می‌دهد به چه میزان تغییر رفتار اثربخش بوده و حمایت‌شده است: سیاست (۱) اثربخش و (۲) کارا است و از این سیاست در میان (۳) سیاست‌مداران، (۴) سازمان‌های مجری، و (۵) شهروندان حمایت می‌شود.

<sup>۱</sup> Strassheim

<sup>۲</sup> Gumbert

<sup>۳</sup> Vannoni

<sup>۴</sup> Kuehnhanss

<sup>۵</sup> Tummers



باینام و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۸) [۴] بیان داشتند مدل سیاستی داوطلبانه، مشارکت حمل و نقل هوشمند آژانس حفاظت از محیط زیست<sup>۲</sup>، تغییر رفتار را سبب می‌شود، تعامل استراتژیک را تسهیل می‌کند و تصمیم‌گیری آگاهانه تر در بخش حمل و نقل را میسر می‌سازد، عملکرد را بهبود بخشد و انتشار گازهای گلخانه‌ای را کاهش دهد. اهارا و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۱۶) [۱۸] اظهار داشتند که اردوهای رسانه‌های جمعی با هدف تأثیرگذاری بر عوامل ریسک‌زا در سبک زندگی یکی از روش‌هایی است که دولت‌ها در تلاش هستند تا از طریق آن، ریسک بیماری‌های مزمن را کم کنند.

بالدوین<sup>۴</sup> (۲۰۱۴) [۵] بیان داشت سازگاری تلنگرزی با سایر دستگاه‌های کنترلی را نمی‌توان فرض کرد و در هنگام تامل در مورد تلنگرزی، شفافیت در مورد مبانی فلسفی آن و همچنین آگاهی از شیوه‌های مختلف مداخله که ممکن است با تصادم منطقی انجام شود و نه تنها اثربخشی بلکه تامین اهداف اخلاقی را تهدید می‌کند، ضروری است. با مروری بر پیشینه تجربی پژوهش می‌توان دریافت که این مطالعه جزء معدود مطالعاتی است که تلاش دارد به شناسایی مولفه‌ها و الزامات اجرای سیاست‌گذاری رفتاری با استراتژی مرور سیستماتیک مبانی نظری بپردازد.

### ۳. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از منظر فلسفی، از نوع تفسیرگرا، از منظر رویکرد، از نوع استقرایی، از منظر راهبرد، از نوع پژوهش‌های آرشویی، از منظر افق زمانی، از نوع تک‌مقطعی و از منظر فنون و رویه‌های گردآوری داده‌ها، مبتنی بر مستندات/مقالات منتشر شده است. با توجه به این که پژوهش حاضر قصد دارد تا با ترکیب نتایج پژوهش‌هایی که تاکنون صورت گرفته، به سوالات پژوهش پاسخ دهد، از روش مرور نظام‌مند مبانی نظری استفاده شده است. از آن جا که مقالات موجود شامل روش‌های کمی، کیفی و همچنین مقالات مروری می‌باشد و حذف یا کنار گذاشتن هر کدام می‌تواند نتیجه پژوهش را ناقص کند، در پژوهش حاضر به جای استفاده از روش‌های فرامطالعه<sup>۵</sup> (فراتحلیل<sup>۶</sup>، فراترکیب کیفی<sup>۷</sup> و فراترکیب روش‌های آمیخته<sup>۸</sup>) از مرور نظام‌مند استفاده شده است. شش پایگاه داده شامل ساینس دایرکت<sup>۹</sup>، امرالد<sup>۱۰</sup>، سیج<sup>۱۱</sup>، اسپرینگر<sup>۱۲</sup>، وایلی<sup>۱۳</sup> و روتلج<sup>۱۴</sup> و برای بررسی مقالات موجود در این حوزه انتخاب شده‌اند چرا که این پایگاه‌های داده مکمل یکدیگر هستند و نقاط ضعف و قوت یک دیگر را پوشش می‌دهند و روایی پژوهش را بالا می‌برند [۲۰]. ابتدا تمام اسناد منتشر شده در پایگاه‌های داده مذکور به صورت زیر در تاریخ ۱۵ فوریه ۲۰۲۱ استعلام<sup>۱۵</sup> شدند: «تمام اسناد منتشر شده بین تاریخ‌های ۱ ژانویه ۲۰۰۰ تا ۱۵ فوریه ۲۰۲۱، که حداقل یکی از عبارت‌های جدول ۲ را در عنوان، چکیده یا کلمات کلیدی خود داشته باشند.»

<sup>۱</sup> Bynum et al.

<sup>۲</sup> U.S. Environmental Protection Agency's SmartWay Transport Partnership

<sup>۳</sup> O'Hara et al.

<sup>۴</sup> Baldwin

<sup>۵</sup> Meta-Study

<sup>۶</sup> Meta-Analysis

<sup>۷</sup> Meta-Synthesis

<sup>۸</sup> Mixed Meta-Synthesis

<sup>۹</sup> ScienceDirect

<sup>۱۰</sup> Emerald

<sup>۱۱</sup> Sage

<sup>۱۲</sup> Springer

<sup>۱۳</sup> Wiley

<sup>۱۴</sup> Routledge

<sup>۱۵</sup> Query

جدول ۲. کلیدواژه های پژوهش

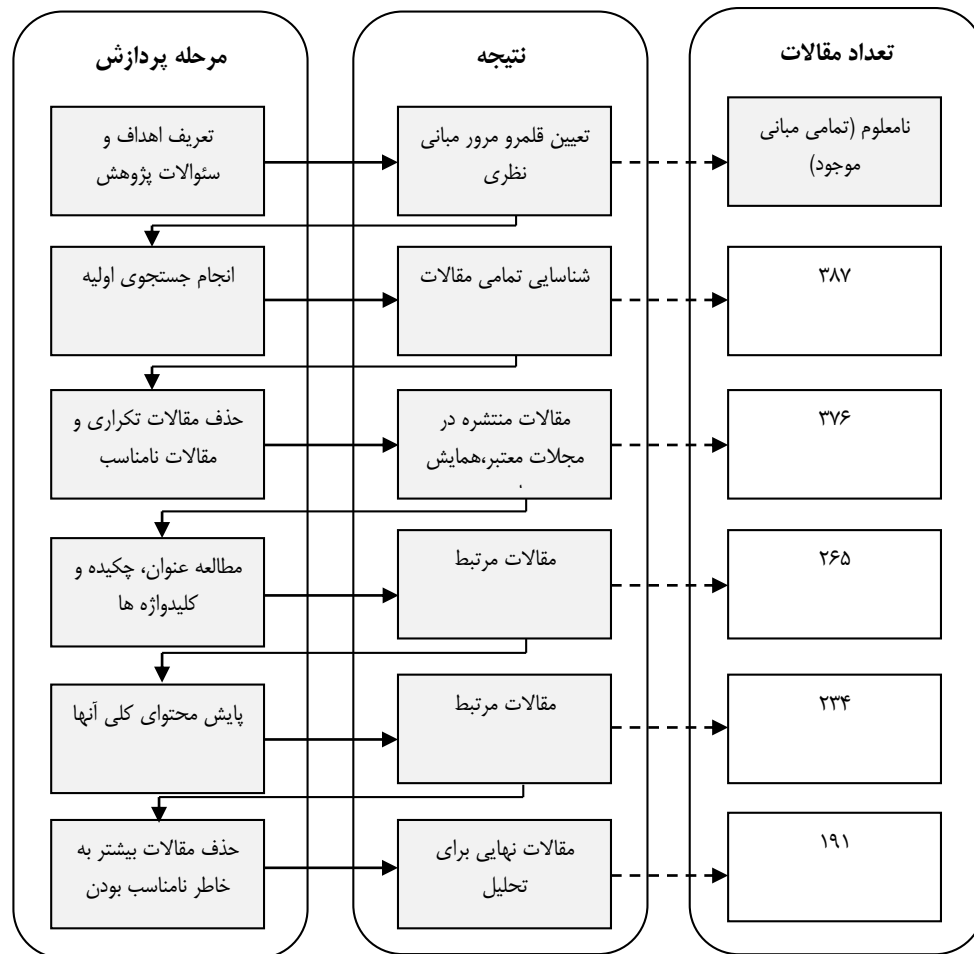
کلیدواژه ها
"Nudge" OR "Behavioral insight" OR "Behavioral public policy" OR "Behavioral insight" AND "Public policy" OR "Behavioral change " AND "Public policy" OR "Nudging" AND "Public policy" OR "Nudge tactics" AND "Public policy" OR "Behavioral economics" AND "Public policy" OR "Behavioral science" AND "Public policy" OR "Behavioral approach" AND "Public policy" OR "Intermediary" AND "Public policy" OR "Behavioral approach" AND "Policy experiment" OR "Behavioral nudges" AND "public policy" OR "Behavioral interventions" AND "public policy" OR "Behavioral mechanisms" AND "policy design" OR "Behavioral instruments" AND "policy design" OR "Policy interventions" OR "Behavioral policies" OR "Nudging interventions" OR "Behavioral analysis" AND "policy design"

بیان این نکته لازم است که تعداد کلیدواژه‌های موجود در پژوهش ۵ عدد است و بقیه کلیدواژه‌های پژوهش حاضر بر اساس نظر پژوهشگر و برای پوشش همه مفاهیم، از ۵ کلیدواژه اصلی، مشتق شدند. در مرحله اول، تعداد ۶۸۹ پژوهش از پایگاه‌های داده شش‌گانه مورد استفاده در پژوهش استخراج شد. این مقالات شامل دسته‌های زیر بودند. از بین مقالات موجود، مقالاتی کنار گذاشته شدند که در دسته‌های زیر بودند.

جدول ۳. نوع مقالات پایگاه داده‌ها

نوع مقالات (کل)	مقالات کنار گذاشته شده
Article, Review, Editorial material, Proceedings paper, Article; Proceedings Paper, Book review, Article; Book Chapter, Meeting Abstract, Correction, Editorial Material; Book Chapter, Book, Review; book chapter	Editorial material, Meeting abstract, Editorial material, Book chapter, Book, Book review, Meeting abstract, Correction

بنابراین، در این مرحله، تعداد کل مقالات باقیمانده از پایگاه‌های داده مذکور همچنان ۳۸۷ پژوهش بود. در مرحله دوم، مقالات مشترک میان این دو پایگاه داده حذف شد که با بررسی‌های لازم به کمک نرم افزار اکسل این مقالات شناسایی شدند که در نهایت تعداد ۱۱ پژوهش مشترک میان این دو پایگاه داده شناسایی و کنار گذاشته شد که در نهایت تعداد ۳۷۶ پژوهش، برای فیلتر عنوان، چکیده و متن باقی ماند. سپس، ۳۷۶ پژوهش بدست آمده در مرحله قبل طی ۴ مرحله فیلتر شدند. ابتدا فیلتر عنوان بر روی این پژوهش‌ها صورت گرفت. پژوهش‌هایی که از لحاظ عنوان، کمترین شباهتی با سوالات پژوهش نداشتند کنار گذاشته شدند. سپس دوباره فیلتر عنوان، این بار با نیم‌نگاهی به چکیده پژوهش‌ها، اعمال شد و پژوهش‌هایی که در مرحله قبل به‌خاطر روشن نبودن عنوان پژوهش حفظ شده بودند، با نیم‌نگاه به چکیده فیلتر شدند که در نهایت ۲۶۵ مقاله باقی ماند. در سومین مرحله از این بخش، فیلتر چکیده انجام شد؛ چکیده پژوهش‌های باقی مانده به دقت مطالعه شد و با لحاظ کردن برخی شاخص‌ها مانند مرتبط بودن با سوالات پژوهش فیلتر شدند که در نهایت ۲۳۴ مقاله باقی ماند. در آخرین مرحله، متن پژوهش‌های باقی مانده مطالعه شد؛ به کمک برخی شاخص‌ها مانند غنی بودن متن پژوهش و هم‌چنین مرتبط بودن با سوالات پژوهش حاضر، برخی پژوهش‌ها کنار گذاشته شدند که در انتها، ۱۹۱ پژوهش باقی ماند (شکل ۲).



شکل ۲. فرآیند غربالگری مقالات در مرور نظام‌مند پیشینه

کیفیت مقالات با استفاده از روش «برنامه مهارت‌های ارزیابی حیاتی (CASP<sup>۱</sup>)» مورد بررسی قرار گرفت. این ابزار شامل ۱۰ سوال بوده و به محقق کمک می‌کند تا دقت، اعتبار و کیفیت مقالات را مشخص کند. به هر شاخص، امتیازی از یک (ضعیف‌ترین حالت) تا ده (قوی‌ترین حالت) تخصیص داده می‌شود. در انتها به منظور سنجش میزان کیفیت هر یک از مقالات، مجموع امتیازها در نظر گرفته می‌شود. منابع دارای ۵۰ امتیاز به بالا، از بالاترین سطح کیفیت برخوردارند و منابع با امتیاز پایین‌تر از ۴۰ به دلیل پایین بودن سطح کیفیت باید از فرآیند پژوهش حذف گردند. ۱۰ شاخص «برنامه مهارت ارزیابی حیاتی»، اهداف پژوهش، منطق روش، طرح پژوهش، نمونه‌برداری، جمع‌آوری داده‌ها، انعکاس‌پذیری، ملاحظات اخلاقی، دقت تجزیه و تحلیل، بیان روشن یافته‌ها و ارزش پژوهش بود. پژوهش‌های منتخب در مراحل قبل به دلیل اینکه توانستند حداقل امتیاز کافی را کسب کنند، حذف نگردیدند و در نهایت ۱۹۱ پژوهش باقی می‌ماند.

**پایایی.** برای محاسبه پایایی کدگذاری در این پژوهش، از پایایی بازآزمون استفاده شد. بدین ترتیب که یک کدگذار، یک متن را در دو زمان متفاوت کدگذاری می‌کند. در پایایی بازآزمون، تعدادی از مقالات بصورت نمونه انتخاب شده و هر کدام از آنها در فاصله زمانی معینی (بین ۵ تا ۳۰ روز) مجدداً کدگذاری می‌شود. سپس کدهای تشخیص داده شده، با یکدیگر مقایسه می‌شوند. در هر کدام از مقالات، کدهایی که با هم شبیه هستند به عنوان

<sup>1</sup> Critical Appraisal Skills Programme(2008)

توافق و کدهای غیرمشابه به عنوان عدم توافق مشخص می‌شوند [۳]. سپس از رابطه زیر، برای تعیین پایایی کدگذاری‌ها استفاده می‌شود.

$$\text{درصد پایایی آزمون} = \frac{\text{تعداد توافقات} \times 2}{\text{تعداد کل کدها}} \times 100\%$$

چنانچه ضریب پایایی محاسبه شده در مورد یک مقاله، ۶۰ درصد یا بیشتر باشد، آنگاه می‌توان اظهار داشت که پایایی کدگذاری‌های پژوهش، مورد تایید است (باون و باون، ۲۰۰۸). در این مطالعه، شش مقاله (هر کدام از یک پایگاه داده بودند) انتخاب شد و پژوهشگر هر کدام از آنها را دو بار، در یک فاصله زمانی چهارده روزه مجدداً کدگذاری کرد. نتایج حاصل از این کدگذاری مجدد در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴. محاسبه پایایی بازآزمون (شاخص ثبات)

ردیف	کد مقاله	تعداد کل کدها	تعداد توافقات	تعداد عدم توافقات	پایایی آزمون (درصد)
۱	E16	۵	۲	۱	۸۰٪
۲	S17	۸	۳	۲	۷۵٪
۳	R21	۱۵	۶	۳	۸۰٪
۴	SD15	۱۴	۶	۲	۸۵/۷٪
۵	SP7	۹	۴	۱	۸۸/۹٪
۶	W9	۱۹	۸	۳	۸۴/۲٪
	کل	۷۰	۲۹	۱۲	۸۲/۹٪

مطابق جدول ۴، تعداد کل کدها در فاصله زمانی دو هفته‌ای برابر با ۷۰، و تعداد کل توافقات بین کدها برابر با ۲۹ است. با توجه به فرمول پایایی بازآزمون، میزان پایایی بازآزمون ۸۲/۹ درصد است و با توجه به بیشتر بودن آن از حداقل مقدار پیشنهاد شده ۶۰ درصد، می‌توان بیان داشت که کدگذاری مقاله از پایایی لازم و کافی برخوردار می‌باشد. باید توجه داشت که پایایی بازآزمون یا شاخص ثبات، سازگاری درک یا تفسیر یک فرد را در مورد یک متن خاص در طی زمان اندازه می‌گیرد. لذا محقق بر آن شد تا از پایایی بین دوگذار<sup>۱</sup> (شاخص تکرارپذیری) نیز جهت تایید پایایی مقاله‌های انجام شده بهره ببرد. برای محاسبه پایایی بین دو کدگذار، محقق از یک همکار پژوهش (کدگذار) استفاده کرد. آموزش‌ها و تکنیک‌های لازم و استاندارد شده برای کدگذاری مقاله‌ها به همکار پژوهش انتقال داده شد. سپس محقق همراه این همکار پژوهش، چند مقاله را به صورت تصادفی، انتخاب و کدگذاری کردند. سپس برای محاسبه درصد پایایی بین دو کدگذار از رابطه زیر استفاده شد.

$$\text{درصد پایایی بین دو کدگذار} = \frac{\text{تعداد توافقات} \times 2}{\text{تعداد کل کدها}} \times 100\%$$

<sup>۱</sup> Inter Coder Reliability

در مجموع از بین مقاله‌های منتخب، سه مقاله انتخاب و با همکار پژوهش‌کدگذاری شدند. نتایج کدگذاری دو نفر در جدول ۵ ارائه شده است. تعداد کل کدهایی که محقق و همکار پژوهش ثبت کرده‌اند، برابر ۷۹، تعداد کل توافقات بین این کدها ۲۹ و تعداد کل عدم توافقات بین این کدها برابر ۲۱ است. پایایی دو کدگذار برای مقالات منتخب در این پژوهش با استفاده از فرمول ذکر شده برابر،  $73/4$  درصد است. با توجه به اینکه میزان پایایی بیشتر از ۶۰ درصد می‌باشد، لذا درصد پایایی بین کدگذاران در این پژوهش مورد تایید است.

جدول ۵. محاسبه پایایی بین دوکدگذار (شاخص سازگاری)

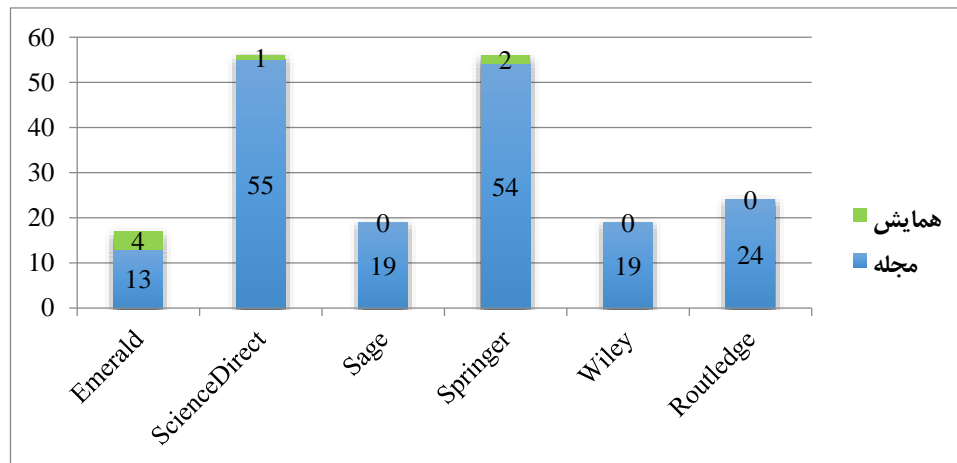
ردیف	کد مقاله	تعداد کل کدها	تعداد توافقات	تعداد عدم توافقات	پایایی آزمون (درصد)
۱	E16	۶	۲	۲	۶۶/۷
۲	S17	۹	۳	۳	۶۶/۷
۳	R21	۱۷	۶	۵	۷۰/۶
۴	SD15	۱۵	۶	۳	۸۰
۵	SP7	۱۱	۴	۳	۸۲/۱
۶	W9	۲۱	۸	۵	۷۲/۷
	کل	۷۹	۲۹	۲۱	۷۳/۴۱

**روایی.** به منظور بررسی روایی، با استفاده از سه‌سویه‌سازی، کدهای احصاء شده و مضامین تدوین شده با سایر منابع (مقالات منتخب و کتب موجود در زمینه سیاست‌گذاری رفتاری) انطباق داده شد و از صحت آنها اطمینان حاصل گردید. به علاوه، از اعضای تیم پژوهش خواسته شد تا کدهای احصاء شده و مضامین تدوین شده را بررسی نمایند. بدین ترتیب که متن مصاحبه‌ها با کدهای استخراج شده دو نفر از اعضای تیم، بازنگری شد. شمولیت و قابل فهم بودن مضامین نیز تیم پژوهش تایید کرد. سرانجام، از یک ممیز خارجی برای ارزیابی کدهای احصاء شده و مضامین تدوین شده نیز استفاده شد.

#### ۴. تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

##### فراوانی مقالات منتخب در پایگاه‌های داده

مقالات بررسی‌شده با توجه به پایگاه داده و نوع انتشار آنها (مجله یا همایش) تحلیل شد. توزیع انتشارات موجود برای ۱۹۱ مقاله/نوشته منحصر به فرد مشخص شد. شکل زیر توزیع پایگاه‌های داده اصلی و انواع مقالات منتشره شده در آنها را نشان می‌دهد. توزیع نشریات، پایگاه‌های اطلاعاتی مهم این حوزه پژوهشی جهت انجام پژوهش‌های بیشتر را نشان می‌دهد. شکل زیر توزیع نوع انتشارات منابع که در قالب مقالات کنفرانسی و مقالات مجلات طبقه‌بندی شده را نشان می‌دهد. همه منابع در بخش پیوست‌ها ارائه شده است. بر این اساس، دو پایگاه داده ScienceDirect و Springer بیشترین تعداد مقالات را در زمینه سیاست‌های عمومی رفتاری منتشر کرده‌اند (۵۶ درصد مقالات برای هر یک از ناشران)، و پس از آنها، انتشارات Routledge (۱۲/۵۷ درصد)، Wiley (۹/۹۵ درصد)، Sage (۹/۹۵ درصد) و Emerald (۸/۹ درصد) بیشترین مقالات را در بازه زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۱ منتشر کرده بودند. علاوه بر این، مجلات به عنوان مهم‌ترین محل انتشار برای پژوهش‌های سیاست عمومی رفتاری (۹۶/۳۳ درصد) قلمداد می‌شوند. به بیانی دیگر، بیشتر ادبیات تولید شده در حوزه سیاست‌گذاری رفتاری، در قالب مقالات در مجلات معتبر بین‌المللی منتشر شده‌اند و لذا از کیفیت و اعتبار لازم برای استفاده از دستاوردهای علمی آنها، برخوردار می‌باشند (شکل ۳).



شکل ۳. توزیع منابع در پایگاه های داده و نوع انتشار آنها

### طرح پژوهش در مقالات منتخب

مقالات منتخب از نظر طرح پژوهش مورد ارزیابی قرار گرفته و با توجه به روش‌شناسی مورد استفاده در آنها برای دستیابی به اهداف مورد نظرشان، در نه گروه قرار گرفتند. بدین ترتیب که بخش عمده‌ای از مقالات از طرح فلسفی<sup>۱</sup> (۴۰/۳۱ درصد)، طرح آزمایشی<sup>۲</sup> (۲۴/۶۱ درصد)، و طرح مطالعه موردی<sup>۳</sup> (۱۹/۹۰ درصد) استفاده کرده بودند. در طرح فلسفی، به تحلیل و ارائه استدلال فلسفی برای به چالش کشیدن مفروضات موجود در حوزه سیاست‌گذاری رفتاری پرداخته می‌شود. در طرح آزمایشی، بر تعیین یا پیش‌بینی آنچه ممکن است رخ دهد، تمرکز می‌شود. مطالعه موردی نیز مطالعه عمیق یک مسئله خاص است تا یک بررسی آماری گسترده یا پژوهش مقایسه‌ای علی. بعد از آنها نیز مرور سیستماتیک<sup>۴</sup> (۷/۳۳٪)، طرح علی<sup>۵</sup> (پس رویدادی) (۲/۶۲٪)، فراتحلیل<sup>۶</sup> (۲/۶۲٪)، طرح تاریخی<sup>۷</sup> (۲/۱٪)، طرح پژوهش میدانی<sup>۸</sup> (۰/۵٪) و طرح اکتشافی<sup>۹</sup> (۰/۵٪) قرار داشتند. بیان این نکته لازم است تنها در یک مطالعه، از دو طرح مرور نظام‌مند و فراتحلیل استفاده شده بود (شکل ۴).

<sup>۱</sup> Philosophical design

<sup>۲</sup> Designs of experiments

<sup>۳</sup> Case study design

<sup>۴</sup> Systematic review

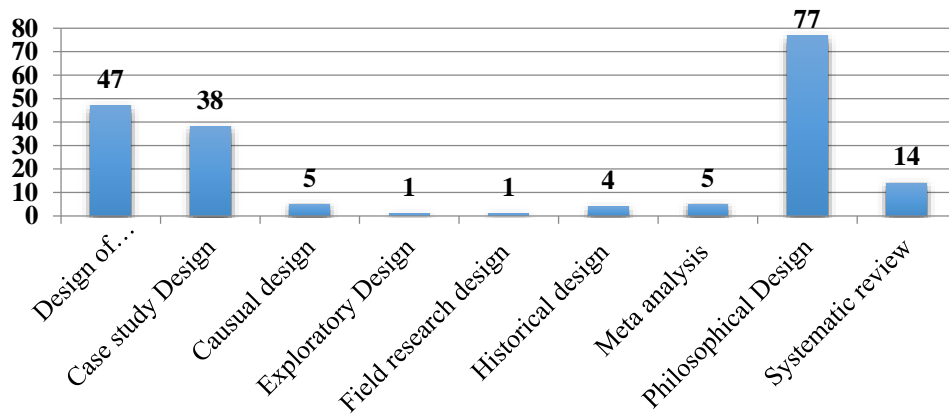
<sup>۵</sup> Causal design

<sup>۶</sup> Meta analysis

<sup>۷</sup> Historical design

<sup>۸</sup> Field research design

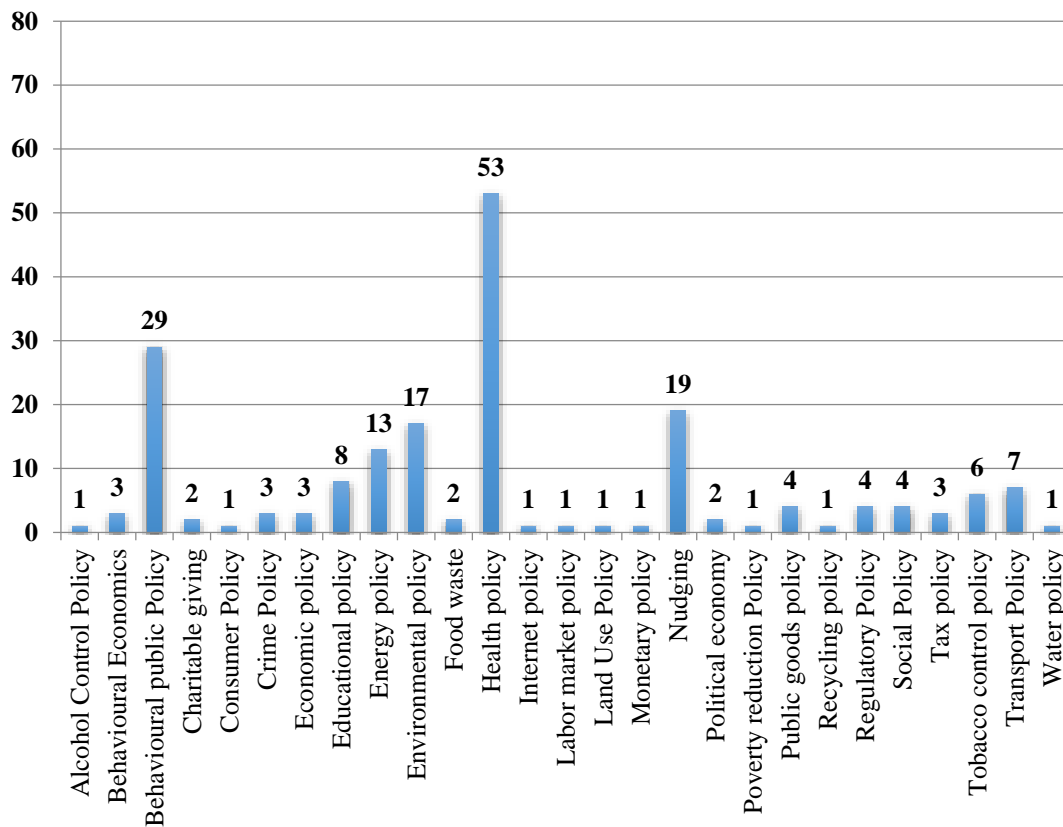
<sup>۹</sup> Exploratory design



شکل ۴. توزیع نوع پژوهش در منابع منتخب

### فراوانی موضوعات مقالات منتخب

مقالات منتخب از نظر موضوع مورد پژوهش نیز ارزیابی گردید و با توجه به حوزه‌های موضوعی مورد بررسی آنها، در ۲۷ گروه شامل سیاست کنترل مصرف الکل، اقتصاد رفتاری، سیاست‌گذاری رفتاری، دادن اعانه، سیاست مصرف‌کننده، اقتصاد سیاسی، سیاست انرژی، سیاست آموزشی، ائتلاف مواد غذایی، سیاست جرم، سیاست زیست‌محیطی، سیاست اینترنت، سیاست استفاده از زمین، سیاست بازار نیروی کار، سیاست پولی، اقتصاد سیاسی، تلنگرزی، سیاست فقرزدایی، سیاست بازیافت، سیاست اجتماعی، سیاست حمل و نقل، سیاست مالیاتی، سیاست تقنینی، سیاست کالاهای عمومی، سیاست آب، سیاست کنترل مصرف دخانیات و سیاست حمل و نقل قرار گرفتند. در این میان، سیاست بهداشت و درمان (۲۷/۷۵ درصد)، سیاست‌گذاری رفتاری (۱۵/۱۸ درصد)، تلنگرزی (۹/۹۵ درصد)، سیاست زیست محیطی (۸/۹ درصد)، سیاست انرژی (۶/۸ درصد) و سیاست آموزشی (۴/۱۹ درصد) به ترتیب بیشترین موضوعاتی بودند که در آثار مورد بررسی به آنها پرداخته شده بود (شکل ۵).



شکل ۵. توزیع فراوانی موضوعات مورد بررسی در منابع منتخب

در این پژوهش از تحلیل مضمون به منظور پاسخگویی به سوالات پژوهش استفاده شد. تحلیل مضمون روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش، فرآیندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند. این تحلیل شامل رفت و برگشت مستمر بین مجموعه داده‌ها و مجموعه کدگذاری‌ها و تحلیل داده‌هایی است که به وجود می‌آمده‌اند. در ادامه به منظور پاسخگویی به سوالات پژوهش از تحلیل مضمون استفاده شده است.

**سوال اول پژوهش .** جهت ارائه پاسخ مناسب به سوال اول پژوهش (مولفه‌های رویکرد رفتاری به تدوین سیاست‌های عمومی کدامند) از طریق مبانی نظری مربوطه نیز از تحلیل مضمون استفاده شد. در این مرحله، با استفاده از گزاره‌های معنادار، کدهای اولیه از داده‌ها ایجاد شد. برای پاسخگویی به سوال اول، ۹۸ گزاره معنادار از مقالات منتخب احصاء شده و در نهایت ۱۲۶ کد (خرده مقوله) از آنها استخراج گردید. در مرحله شناسایی کدهای گزینشی، ۵۰ کد گزینشی برای پاسخگویی به این سوال که مولفه‌های سیاست‌های عمومی با رویکرد رفتاری کدامند، توسط محقق حاصل شد. در این مرحله محقق کدهای ناقص یا نامرتب و همچنین کدهای تکراری را کنار گذاشته تا به این تعداد کد گزینشی دست یابد. کدهای گزینشی احصاء شده برای سوال اول پژوهش، در جدول ۶ گزارش شده است.

جدول ۶. کدهای نهایی و منبع آنها مربوط به سوال اول



منبع/منابع	کدهای نهایی گزینشی شده
E8, E10, E12, E13, E17, R5, R14, R19, S3, S6, S15, SD1, SD4, SD15, SD29, SD35, SD47, SD52, SP4, SP14, SP27, W4	معماری انتخاب برای تغییرات ماهرانه در محیط تصمیم
E10, E18, R5, R15, S13, SP4, SP16, SP27, SP45, W13	حفظ آزادی افراد برای انتخاب گزینه‌های بدیل
E10	استفاده از میانبرهای ذهنی افراد
E17, S8, SD1, SD8, SD46, SP4, SP5, SP8, SP16, SP27, SP32, W13	قیم‌مآبی آزادمنشانه
R4	تشریح رفتار گیج کننده به عنوان واکنش‌های عقلایی به اطلاعات ناقص
R9,	تاثیرگذاری غیرعقلایی
R15	دوگانه مشکل‌ساز احساسات-عقلانیت
R15, R17	عدم/تشویق مخاطبان برای رفتار کردن به شیوه‌ای معین
R15	قالب‌بندی مجدد نحوه انتقال انتخاب‌ها و ریسک‌ها
R17	قالب‌بندی مجدد مسائل سیاستی بر حسب رفتار مخاطبان، شناسایی مسائلی که مانع پذیرش می‌شوند و انتخاب ابزاری با مکانیزم تغییر متمایز
R17	ممنوع کردن سوءرفتارها
R17, S7	تقویت‌گری
R17	اطلاع دادن جهت افزایش آگاهی در مورد ضرورت پذیرش/تبعیت
R18	ایجاد قراردادهای اجتماعی میان دولت و شهروندان
R20	یکپارچه‌سازی عوامل روانشناختی و اقتصادی
R21	بسیج شواهد تجربی
R21	بازتعریف عقلانیت، اختیار و اعتبار
R24	عدم الزام به افراد برای انجام هرگونه فعالیتی
R19, S2, S3, S13, SD16, SD21, SD22, SD33, SD36, SD37, SD39, SD40, SD44, SD51, SP15, SP26, SP35	قالب‌بندی انتخاب‌ها یا گزینه‌ها (مثل نقاط مرجع، اطلاعات، مسائل، سود در مقابل زیان، زیان‌گریزی، رفتار جستجوی ریسک، سوگیری وضع موجود)
S2, SP15	توانایی محدود برای محاسبه (مثل عقلانیت محدود، حسابداری ذهنی)
S2	خودکنترلی محدود (مثل سوگیری تنزیل هذلولی، باشگاه‌های پس‌انداز کریسمس، برنامه‌های ثبت نام خودکار)
S2	برانگیختن از طریق علائق شخصی، انصاف، نوع‌دوستی، عمل متقابل، همدلی، همدردی، اعتماد، گناه، شرم، اخلاقیات، بیزاری، میهن پرستی، هنجارهای اجتماعی، و عادات اجتماعی
S3	باندواگن
S3	وجود یک گزینه طعمه
S7	کاربرد لنزهای رفتاری در فرآیند سیاست‌گذاری
S13	زیان‌ها بیشتر از منافع ارزش‌گذاری می‌شوند
S13	آزمایش‌های سیاستی تصادفی

منبع/منابع	کدهای نهایی گزینشی شده
S15	عمومیت یافتن
S16	سیاست‌گذاری شواهدمحور، نظارت و ارزیابی
SD4	عدم تغییر معنادر در مشوق‌های مرتبط با گزینه‌های مختلف
SD15	الگوهای تصمیم‌گیری پیش‌بینی‌پذیر و سیستمی
SD25	اولویت‌بخشی به واکنش‌های اجتماعی
SD37	ترغیب (تغییر باورهای شهروندان)
SD37	هنجارسازی (کار کردن با فرایندهایی که هنجارهای مثبت را در گروه‌های اجتماعی خلق می‌کنند)
SD46	توانایی افراد برای شکل‌دهی یا یادگیری ترجیحات
SD49	تقویت ویژگی‌های مردمی که به طور مثبتی تحت تاثیر قرار می‌گیرند
SP4, SP49	حفظ اختیار آزمودنی‌ها
SP5	قراردادگرایی
SP5	مشورت هنجاری
SP5	همکاری مشارکتی
SP5	تعریف پایین به بالای سیاست‌ها
SP5	پذیرش چارچوب هنجاری
SP5	درگیر شدن در تعهد جمعی
SP15	ترجیحات اجتماعی
SP26	دستکاری باورها
SP31	پرداختن به تنش میان کارایی و پاسخگویی
SP41	دستگاه اقتصاد سیاسی با حاکمیت نئولیبرالی
W13	قیم‌مآبی اجباری

در پایان، تم‌ها ایجاد و بازبینی شد. محقق در نهایت پس از رفت و برگشت در میان کدها به ۸ تم (مولفه‌های سیاست‌گذاری با رویکرد رفتاری) دست یافت، که در زمینه مورد نظر پژوهش قابل تشریح می‌باشد. در جدول ۷ کدهای مرتبط با تم‌ها ارائه شده است.

جدول ۷. تم‌ها/مضامین نهایی مربوط به سوال اول

تم‌ها/مضامین	کدهای نهایی
	معماری انتخاب برای تغییرات ماهرانه در محیط تصمیم
	عدم/تشویق مخاطبان برای رفتار کردن به شیوه‌ای معین
	قالب‌بندی مجدد نحوه انتقال انتخاب‌ها و ریسک‌ها
ساختاردهی به انتخاب‌ها <sup>۱</sup>	قالب‌بندی مجدد مسائل سیاسی بر حسب رفتار مخاطبان، شناسایی مسائلی که مانع پذیرش می‌شوند و انتخاب ابزاری با مکانیزم تغییر متمایز

<sup>۱</sup> Structuring the choices

تم‌ها/مضامین	کدهای نهایی
حفظ آزادی و اختیار	قالب‌بندی انتخاب‌ها یا گزینه‌ها (مثل نقاط مرجع، اطلاعات، مسائل، سود در مقابل زیان، زیان‌گریزی، رفتار جستجوی ریسک، سوگیری وضع موجود)
	ممنوع کردن سوءرفتارها
	عدم تغییر معنادر در مشوق‌های مرتبط با گزینه‌های مختلف
	تعریف پایین به بالای سیاست‌ها
	حفظ آزادی افراد برای انتخاب گزینه‌های بدیل
	عدم الزام به افراد برای انجام هرگونه فعالیتی
اهرم‌سازی محدودیت‌ها و سوگیری‌های شناختی <sup>۱</sup>	بازتعریف عقلانیت، اختیار و اعتبار
	حفظ اختیار آزمودنی‌ها
	برانگیختن از طریق علائق شخصی، انصاف، نوع‌دوستی، عمل متقابل، همدلی، همدردی، اعتماد، گناه، شرم، اخلاقیات، بیزاری، میهن‌پرستی، هنجارهای اجتماعی، و عادات اجتماعی
	الگوهای تصمیم‌گیری پیش‌بینی‌پذیر و سیستمی
	خودکنترلی محدود (مثل سوگیری تنزیل هذلولی، باشگاه‌های پس‌انداز کریسمس، برنامه‌های ثبت‌نام خودکار)
	توانایی محدود برای محاسبه (مثل عقلانیت محدود، حسابداری ذهنی)
	دوگانه مشکل‌ساز احساسات-عقلانیت
	استفاده از میانبرهای ذهنی افراد
	پرداختن به تنش میان کارایی و پاسخگویی
	تاثیرگذاری غیرعقلایی
قیمت‌مآبی و لیبرالیسم	باندواگن
	تقویت‌گری
	توانایی افراد برای شکل‌دهی یا یادگیری ترجیحات
	قیمت‌مآبی آزادمنشانه
	قیمت‌مآبی اجباری
اطلاعات محوری	دستگاه اقتصاد سیاسی با حاکمیت نئولیبرالی
	مشورت هنجاری
	پذیرش چارچوب هنجاری
شواهد محوری	تشریح رفتار گیج‌کننده به عنوان واکنش‌های عقلایی به اطلاعات ناقص
	اطلاع دادن جهت افزایش آگاهی در مورد ضرورت پذیرش/تبعیت
	یکپارچه‌سازی عوامل روانشناختی و اقتصادی
	سیاست‌گذاری شواهد محور، نظارت و ارزیابی
دستکاری هنجارها، ترجیحات و باورها	کاربرد لنزهای رفتاری در فرآیند سیاست‌گذاری
	بسیج شواهد تجربی
	آزمایش‌های سیاستی تصادفی
	وجود یک گزینه طعمه
	زیان‌ها بیشتر از منافع ارزش‌گذاری می‌شوند

<sup>۱</sup> Leveraging cognitive biases and limitations

تم‌ها/مضامین	کدهای نهایی
	ترغیب (تغییر باورهای شهروندان)
	هنجارسازی (کار کردن با فرآیندهایی که هنجارهای مثبت را در گروه های اجتماعی خلق می‌کنند)
	ترجیحات اجتماعی
	دستکاری باورها
	اولویت‌بخشی به واکنش‌های اجتماعی
	ایجاد قراردادهای اجتماعی میان دولت و شهروندان
قراردادگرایی اجتماعی <sup>۱</sup>	همکاری مشارکتی
	درگیر شدن در تعهد جمعی

### سوال دوم پژوهش

جهت پاسخگویی به سوال دوم پژوهش (الزامات اجرای سیاست‌گذاری عمومی با رویکرد رفتاری چیست) از طریق ادبیات مربوطه نیز از تکنیک تحلیل مضمون استفاده شد. در این مرحله، با استفاده از گزاره‌های معنی‌دار، کدهای اولیه از داده‌ها ایجاد شد. برای پاسخگویی به سوال پنجم، ۱۱۷ گزاره معنی‌دار از مقالات منتخب احصاء شده و در نهایت ۱۳۳ کد (خرده مقوله) از آنها استخراج گردید. در مرحله شناسایی کدهای گزینشی، کدهای مختلف در قالب کدهای گزینشی دسته‌بندی شده و خلاصه داده‌های کدگذاری شده مرتب گردید. در این مرحله ۸۸ کد گزینشی برای پاسخگویی به این سوال که الزامات اجرایی برای سیاست‌های عمومی با رویکرد رفتاری کدامند، توسط محقق حاصل شد. در این مرحله محقق کدهای ناقص یا نامرتب و همچنین کدهای تکراری را کنار گذاشته تا به این تعداد کد گزینشی دست یابد. کدهای گزینشی احصاء شده برای سوال پنجم پژوهش، در جدول ۸ گزارش شده است.

جدول ۸. کدهای نهایی و منبع آنها مربوط به سوال دوم پژوهش

منبع/منابع	کدهای نهایی گزینش شده
E1	اجتناب از مجازات‌های مالی برای اجرای سیاست
E2	اجتناب از پدیده تنگ کردن عرصه
E7	استراتژی‌های غیراجباری با گزینه‌های بدیل منطقی
R5, SD13, SD21, SD27, SD39	استفاده از مداخلات رفتاری همراه با سایر ابزارها مثل مشوق‌های مالی، قوانین جزایی و مالیات برای تقویت اثرات مورد نظر
R2	کاربرد بینش‌های رفتاری حاصل از علوم اعصاب، روانشناسی، طراحی و اقتصاد رفتاری
R6, S4	در اختیار داشتن متخصصان سیاست‌گذاری شواهد محور <sup>۲</sup>
R6	در اختیار داشتن ارزیابان سیستماتیک
R6, R22	استفاده از دانشمندان رشته‌های علمی مختلف برای مشارکت اثربخش با سیاست‌گذاران
R6	یکپارچه‌سازی روش‌های مختلف گردآوری شواهد
R9	ارزیابی مورد به مورد سیاست‌های تلنگر زنی
R10	استقرار واحدهای تلنگر
R11	استفاده مناسب از کانال‌های رسانه‌ای/پوشش رسانه‌ای مناسب
R12, W7	استقرار آزمایشگاه‌های سیاست جهت اجرای پروژه‌های آزمایشی گسترده

<sup>۱</sup> Social contractualism

<sup>۲</sup> Evidence-based policy specialists

منبع/منابع	کدهای نهایی گزینش شده
R12	رژیم‌های سیاسی و محیط سیاست
R12	سفارشی‌سازی سیاست شواهدمحور مطابق با شرایط محلی/بومی
R22	درک هدف مطلوب و غایی فرآیند برای سیاست‌گذاران
R23, SD4, SP2, SP34, W18	سنجش کارایی و اثربخشی طی دوره‌های زمانی بلندمدت از طریق آزمایش‌های میدانی
R23	بررسی اصلاحات لجستیکی و پیامدهای مالی
S7	چندروشی و چند رشته‌ای بودن سیاست‌گذاری رفتاری
S9, S10, S12, S18	اهمیت فرهنگ‌های مکان محور/مقبولیت فرهنگی برای طراحی سیاست
S9	شبکه‌های ملی سیاست
S12	سطح محدودیت‌ها (بودجه، زمان و روانشناختی) و میزان کنترل افراد بر وضعیت خود
S14	حمایت سیاسی از تیم‌های بینش رفتاری به عنوان مشاوران سیاستی
S16	مصاحبه با مطلعان کلیدی سازمان‌های دولتی و خصوصی
SD4, SP8	استفاده از رویکردهای پژوهش‌های میدانی و آزمایشگاهی به عنوان روش‌های مکمل
SD4	بررسی اثرات تلنگرها بر پیامدهای ناخواسته
SD4	ارزیابی اثرات تعاملی میان تلنگرها و سایر مداخلات
SD5	اثرات تلنگر، در طول زمان باقی نمی‌ماند
SD7	نقش ویژگی‌های جمعیت شناختی سطح فردی
SD14	سطح درگیری ذهنی فعلی مخاطبان
SD18	زمینه همیارانه
SD21	گنجاندن تمامی بازیگران
SD5, SD21, SD35, SD43, SP17, SP27, SP30, SP36, SP37, W14	فراهم آوردن یا تغییر در محیط‌ها منطبق با ترجیحات با حفظ طیف کاملی از گزینه‌ها برای شهروندان
SD22	توجه به ویژگی‌های رفتاری خاص ذینفعان مختلف
SD22	بررسی دوره‌ای گزارش‌های عمومی سیاست‌گذاران
S7, SD25, SP52	همکاری فرارشته‌ای و چند ذینفعی (سیاست‌گذاران، عموم مردم، سازمان‌ها) برای شکل‌دهی به سیاست
SD35, SD23	استفاده از کلان داده‌ها برای تشخیص مساله و تولید شواهد
SD35, SD21	شناسایی انحرافات و موانع تصمیم‌گیری عقلایی
SD35	ممیزی فرآیند تصمیم‌گیری افراد
SD4, SD35	انجام آزمایش برای ارزیابی اثربخشی مداخلات رفتاری
SD42	توجه به طبقه اجتماعی
SD42	در نظر داشتن عوامل گیج‌کننده بویژه تغییرات در هنجارهای اجتماعی و فرهنگی
SD45	استفاده از عناصر طراحی بازی در زمینه‌های غیر بازی
SD46, SD31	ارزیابی اخلاقی ابزارهای سیاست‌گذاری رفتاری
SD46	شفافیت اساسی
SD50, SD51	ارسال محتوای مناسب از طریق پیام‌رسان مناسب
SD54	ارزیابی گزینه‌های بدیل بدون زمینه سیاستی برای کاهش سوگیری‌های احتمالی
SD54	گنجاندن متغیرهای بیشتر و متنوع‌تر برای حذف سوگیری فرضیه‌ای
SP9	اجتناب از عدم اطمینان در مورد شبکه‌های مرجع
SP9	اتکا به منابع قابل اعتماد و معتبر اطلاعاتی
SP9	اشاره به نمونه‌هایی از رفتار مثبت
SP10	در نظر داشتن انگیزه‌های فردی و توجه به نقش متفاوت مشوق‌های اقتصادی و غیراقتصادی در تاثیرگذاری بر رفتار مردم

منبع/منابع	کدهای نهایی گزینش شده
SP18	اجرای تلنگرها توسط خبرگان/متخصصان
SP20	وجود قوانین مشخص برای استفاده از سیاست‌های رفتاری جهت حفظ آزادی و اختیار فردی
SP20	تشریح مداخلات رفتاری همراه با کاهش آزادی فردی
SP20	تعریف دقیق مرزها و دامنه‌های کاربرد سیاست‌گذاری رفتاری
SP20	پیروی از اصول راهنمای بالادستی مثل اعمال الزامات فرآیندی خاص و گنجاندن مشارکت عمومی اجباری برای اجرای تغییر
SP20	حصول اطمینان از آگاهی کافی عاملان حین تصمیم‌گیری
SP20	ارائه هشدارهایی در مورد سوگیری‌های احتمالی تصمیم‌گیری
SP20	تسهیل جمع‌آوری اطلاعات در مورد موضوع مورد نظر توسط عاملان
SP21	بازاندیشی در افزایش اجباری اطلاعات
SP22	عمل کردن بر اساس شواهد حسی پویا به جای عوامل ایستا
SP24	افزایش مقیاس مداخلات از سطح خرد به سطح میانه و کلان
SP28	یک تلنگر در هر موردی قابل استفاده نیست
SP28	آگاهی داشتن از ادراک عمومی در مورد مداخلات تلنگر
SP37	انعطاف‌پذیری برای توسعه مداخلاتی که اولویت‌ها و منابع ذینفعان را یکپارچه می‌سازد
SP37	همسوسازی سیاست‌های محلی و زیست محیطی
SP38	فراهم آوردن امکان ثبت قانونی تلنگرها
SP38	در نظر گرفتن تاریخ انقضاء برای تلنگرها
SP38	اجرای تلنگرها در فواصل منظم
SP30, SP39	تمرکز بر عوامل زمینه‌ای موثر بر تصمیم‌گیری
SP39	استفاده از گروه‌های متنوع و معرف جامعه یا دارای شباهت بیشتر به گروه هدف برای یک مداخله خاص
SP39	وسیع‌تر کردن دامنه شواهد خوب
SP48	توجه به ترجیحات اولویت‌دار
SP50	توجه به ترجیحات اجتماعی در طراحی مکانیزم‌های تشویقی
SP50	توجه به ترجیحات وابسته به زمینه برای طراحی مکانیزم‌های تشویقی
SP51	استفاده از دوزهای اندازه‌گیری شده قیم‌مآبی آزادمنشانه
SP51	در نظر گرفتن عناصر مساله
SP52, SP55, W1	تمرکز بر اثرات تجمعی و بلندمدت با استفاده از حلقه‌های بازخورد و فرآیندهای اساسی تلنگر
SP55	تمرکز بر فرآیندهای شناختی و رفتارهای بعدی تسهیل شده توسط یک تلنگر و نه صرفاً بر هدف نهایی آن
W1	استفاده از تلنگر با دقت و آگاهی از محدودیت‌های آن و انطباق آن با طیفی از مداخلات دولتی
W1	ایجاد حلقه‌های بارخورد به منظور آگاهی بخشی و به‌روزرسانی تلنگرزنده‌ها
W1, W8	انجام مطالعات بیشتر برای ارزیابی مداخلات تغییر رفتاری
W9	بررسی موانع روانشناختی افراد قبل از طراحی و اجرای ابزارهای سیاستی
W15	کاهش و حذف تاثیر تلنگرهای سیاه و لجن
W18	حمایت از سیاست از سوی سیاست‌مداران، سازمان‌های مجری، و شهروندان
W19	تلنگر، نوشدارو نیست
W19	ارزیابی تلنگرها مثل سایر گزینه‌های سیاستی
W3	آزمون مداخلات با استفاده از طرح‌های کنترل شده تصادفی با اندازه مناسب

در مرحله پایانی، مجموعه‌ای از تم‌ها مورد بازبینی قرار گرفت. این مرحله شامل دو مرحله بازبینی، پایش و شکل‌دهی به تم‌ها است. مرحله اول شامل بازبینی در سطح خلاصه‌های کدگذاری شده است. در مرحله دوم اعتبار تم‌ها در رابطه با مجموعه داده‌ها در نظر گرفته می‌شود. در این مرحله محقق در نهایت پس از رفت و برگشت در میان کدها به ۲۴ تم (الزامات اجرایی برای تدوین سیاست‌های رفتاری) دست یافت، که در زمینه مورد نظر پژوهش قابل تشریح می‌باشد. در جدول ۹ کدهایی که تم‌ها از آنها استخراج شده آمده است.

جدول ۹. تم‌ها/مضامین نهایی سوال دوم پژوهش

تم‌ها/مضامین	کدهای نهایی
اجتناب از هر گونه اجبار <sup>۱</sup>	اجتناب از مجازات‌های مالی برای اجرای سیاست
	استراتژی‌های غیراجباری با گزینه‌های بدیل منطقی
	اجتناب از پدیده تنگ کردن عرصه
تعریف دقیق اصول و قلمرو	استفاده از دوزهای اندازه‌گیری شده قیم مآبی آزادمنشانه
	پیروی از اصول راهنمای بالادستی مثل اعمال الزامات فرآیندی خاص و گنجاندن مشارکت عمومی اجباری برای اجرای تغییر
	تعریف دقیق مرزها و دامنه‌های کاربرد سیاست‌گذاری رفتاری
استراتژی‌های کنترل سوگیری	ارائه هشدارهایی در مورد سوگیری‌های احتمالی تصمیم‌گیری
	گنجانیدن متغیرهای بیشتر و متنوع‌تر برای حذف سوگیری فرضیه‌ای
	کاربرد بینش‌های رفتاری حاصل از علوم اعصاب، روانشناسی، طراحی و اقتصاد رفتاری
بکارگیری روش‌ها و رشته‌های مختلف	یکپارچه‌سازی روش‌های مختلف گردآوری شواهد
	چندروشی و چند رشته‌ای بودن سیاست‌گذاری رفتاری
	استفاده از رویکردهای پژوهش‌های میدانی و آزمایشگاهی به عنوان روش‌های مکمل
استقرار آزمایشگاه‌های سیاست و واحدهای تلنگر	استقرار واحدهای تلنگر
	استقرار آزمایشگاه‌های سیاست جهت اجرای پروژه‌های آزمایشی گسترده
	در اختیار داشتن متخصصان سیاست‌گذاری شواهد محور
بهره‌گیری از دانشمندان و متخصصان رفتاری	در اختیار داشتن ارزیابان سیستماتیک
	استفاده از دانشمندان رشته‌های علمی مختلف برای مشارکت اثربخش با سیاست‌گذاران
	مصاحبه با مطلعان کلیدی سازمان‌های دولتی و خصوصی
ارزیابی کارایی و اثربخشی	اجرای تلنگرها توسط خبرگان/متخصصان
	استفاده از مداخلات رفتاری همراه با سایر ابزارها مثل مشوق‌های مالی، قوانین جزایی و مالیات برای تقویت اثرات مورد نظر
	سنجش کارایی و اثربخشی طی دوره‌های زمانی بلندمدت از طریق آزمایش‌های میدانی
ارزیابی کارایی و اثربخشی	ارزیابی مورد به مورد سیاست‌های تلنگرزی
	بررسی اصلاحات لجستیکی و پیامدهای مالی
	بررسی اثرات تلنگرها بر پیامدهای ناخواسته
	ارزیابی اثرات تعاملی میان تلنگرها و سایر مداخلات
	انجام آزمایش برای ارزیابی اثربخشی مداخلات رفتاری
	استفاده از عناصر طراحی بازی در زمینه‌های غیر بازی
ارزیابی تلنگرها مثل سایر گزینه‌های سیاستی	ارزیابی گزینه‌های بدیل بدون زمینه سیاستی برای کاهش سوگیری‌های احتمالی
	انجام مطالعات بیشتر برای ارزیابی مداخلات تغییر رفتاری
	ارزیابی تلنگرها مثل سایر گزینه‌های سیاستی

<sup>۱</sup> Avoiding any coercion

کدهای نهایی	تم‌ها/مضامین
ایجاد حلق‌های بازخورد به منظور آگاهی بخشی و به‌روزرسانی تلنگرزنده‌ها تمرکز بر اثرات تجمعی و بلندمدت با استفاده از حلقه‌های بازخورد و فرآیندهای اساسی تلنگر آزمون مداخلات با استفاده از طرح‌های کنترل شده تصادفی با اندازه مناسب	استفاده از حلقه‌های بازخورد
افزایش مقیاس مداخلات از سطح خرد به سطح میانه و کلان استفاده از گروه‌های متنوع و معرف جامعه یا دارای شباهت بیشتر به گروه هدف برای یک مداخله خاص	آزمایش‌هایی با تعداد کافی آزمودنی‌ها
تلنگر، نوشدارو نیست اثرات تلنگر، در طول زمان باقی نمی‌ماند یک تلنگر در هر موردی قابل استفاده نیست	تلنگرها همیشه و همه جا کار نمی‌کنند <sup>۱</sup>
استفاده از تلنگر با دقت و آگاهی از محدودیت‌های آن و انطباق آن با طیفی از مداخلات دولتی عمل کردن بر اساس شواهد حسی پویا به جای عوامل ایستا سفارشی‌سازی سیاست شواهدمحور مطابق با شرایط محلی/بومی وسیع‌تر کردن دامنه شواهد خوب	توجه به شواهد
شناسایی انحرافات و موانع تصمیم‌گیری عقلایی ممیزی فرآیند تصمیم‌گیری افراد تمرکز بر عوامل زمینه‌ای موثر بر تصمیم‌گیری تمرکز بر فرآیندهای شناختی و رفتارهای بعدی تسهیل شده توسط یک تلنگر و نه صرفاً بر هدف نهایی آن	تحلیل فرآیند تصمیم‌گیری
استفاده از کلان داده‌ها برای تشخیص مساله و تولید شواهد در نظر گرفتن عناصر مساله	تعریف دقیق مساله
استفاده مناسب از کانال‌های رسانه‌ای/پوشش رسانه‌ای مناسب ارسال محتوای مناسب از طریق پیام‌رسان مناسب اشاره به نمونه‌هایی از رفتار مثبت انکابا به منابع قابل اعتماد و معتبر اطلاعاتی	انتخاب منابع اطلاعاتی و کانال‌های ارتباطی مناسب
درک هدف مطلوب و غایی فرآیند برای سیاست‌گذاران رژیم‌های سیاسی و محیط سیاست فراهم آوردن امکان ثبت قانونی تلنگرها در نظر گرفتن تاریخ انقضاء برای تلنگرها اجرای تلنگرها در فواصل منظم	آگاهی در مورد نیات و اهداف سیاست‌گذاران
اهمیت فرهنگ‌های مکان محور/مقبولیت فرهنگی برای طراحی سیاست توجه به نقش ویژگی‌های جمعیت شناختی سطح فردی توجه به ویژگی‌های رفتاری خاص ذی‌نفعان مختلف توجه به طبقه اجتماعی	در نظر داشتن ویژگی‌های اجتماعی- روانشناختی-فرهنگی
در نظر داشتن عوامل گیج‌کننده بویژه تغییرات در هنجارهای اجتماعی و فرهنگی شبکه‌های ملی سیاست اجتناب از عدم اطمینان در مورد شبکه‌های مرجع	داشتن یک شبکه سیاستی
حمایت از سیاست از سوی سیاست‌مداران، سازمان‌های مجری، و شهروندان حمایت سیاسی از تیم‌های بینش رفتاری به عنوان مشاوران سیاستی درخواست و بررسی دوره‌ای گزارش‌های عمومی سیاست‌گذاران سطح درگیری ذهنی فعلی مخاطبان	جلب حمایت سیاست‌گذاران همکاری ذینفعان سیاست

<sup>۱</sup> Nudges do not works everytime and every where



کدهای نهایی	تم‌ها/مضامین
زمینه همیارانه	
گنجاندن تمامی بازیگران	
همکاری فرارشته‌ای و چند ذی‌نفعی (سیاست‌گذاران، عموم مردم، سازمان‌ها) برای شکل‌دهی به سیاست	
توجه به ترجیحات اجتماعی در طراحی مکانیزم‌های تشویقی	
توجه به ترجیحات اولویت‌دار	آگاهی داشتن از ترجیحات ذی‌نفعان
فراهم آوردن یا تغییر در محیطها منطبق با ترجیحات با حفظ طیف کاملی از گزینه‌ها برای شهروندان	سیاست
توجه به ترجیحات وابسته به زمینه برای طراحی مکانیزم‌های تشویقی	
همسوسازی سیاست‌های محلی و زیست‌محیطی	
انعطاف‌پذیری برای توسعه مداخلاتی که اولویت‌ها و منابع ذی‌نفعان را یکپارچه می‌سازد	
آگاهی داشتن از ادراک عمومی در مورد مداخلات تلنگر	
در نظر داشتن انگیزه‌های فردی و توجه به نقش متفاوت مشوق‌های اقتصادی و غیراقتصادی در تاثیرگذاری بر رفتار مردم	گنجاندن پویایی و انعطاف‌پذیری
بررسی موانع روانشناختی افراد قبل از طراحی و اجرای ابزارهای سیاستی	
سطح محدودیت‌ها (بودجه، زمان و روانشناختی) و میزان کنترل افراد بر وضعیت خود	
کاهش و حذف تاثیر تلنگرهای سیاه و لجن	ملاحظات اخلاقی <sup>۱</sup>
ارزیابی اخلاقی ابزارهای سیاست‌گذاری رفتاری	
بازاندیشی در افشای اجباری اطلاعات	
حصول اطمینان از آگاهی کافی عاملان حین تصمیم‌گیری	
تسهیل جمع‌آوری اطلاعات موضوع مورد نظر عاملان	ملاحظات شفافیت <sup>۲</sup>
تشریح مداخلات رفتاری همراه با کاهش آزادی فردی	
وجود قوانین مشخص برای استفاده از سیاست‌های رفتاری جهت حفظ آزادی و اختیار فردی	
شفافیت اساسی	

## ۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

یافته‌ها نشان داد که پیشینه بر وجود ۸ مولفه کلیدی رویکرد رفتاری برای تدوین سیاست‌های عمومی تاکید دارد که مشتمل بر ساختاردهی به انتخاب‌ها، حفظ آزادی و اختیار، اهرم‌سازی محدودیت‌ها و سوگیری‌های شناختی، قیّم‌مآبی و لیبرالیسم، اطلاعات محوری، شواهد محوری، دست‌کاری هنجارها، ترجیحات و باورها و قراردادگرایی اجتماعی بود. مولفه‌های مذکور در برخی از مطالعات به طور پراکنده و موردی، اشاره شده است. به عنوان مثال، منظور و طاهری (۱۳۹۲) عقلانیت بدون توجه به محدودیت‌های رفتاری و روانی تصمیم‌گیران را خطای راهبردی تلقی کرده و سه محدودیت رفتاری شامل کران‌دار بودن عقلانیت، کران‌دار بودن اراده انسانی و کران‌دار بودن منفعت‌طلبی را معرفی کردند. استراشیم (۲۰۲۰) نیز به طرفداران رویکرد دموکراسی عامدانه توصیه می‌کند باید از سوگیری‌های پسادموکراتیک آگاهی داشته باشند. با این وجود، هیچ یک از مطالعات قبلی، به تمامی مولفه‌های کلیدی در سیاست‌گذاری رفتاری اشاره جامعی نداشتند. به علاوه، همچنین، اجرای اثربخش سیاست‌گذاری رفتاری مستلزم در نظر داشتن ۲۴ الزام شامل اجتناب از هر گونه اجبار، تعریف دقیق اصول و قلمرو، استراتژی‌های کنترل سوگیری، به‌کارگیری روش‌ها و رشته‌های مختلف، استقرار آزمایشگاه‌های سیاست و واحدهای تلنگر، بهره‌گیری

<sup>۱</sup> Ethical considerations

<sup>۲</sup> Transparency considerations

از دانشمندان و متخصصان رفتاری، ارزیابی کارایی و اثربخشی، استفاده از حلقه‌های بازخورد، آزمایش‌هایی با تعداد کافی آزمودنی‌ها، تلنگرها همیشه و همه جا کار نمی‌کنند، توجه به شواهد، تحلیل فرآیند تصمیم‌گیری، تعریف دقیق مساله، انتخاب منابع اطلاعاتی و کانال‌های ارتباطی مناسب، آگاهی در مورد نیت و اهداف سیاست‌گذاران، تعریف چارچوب استفاده از تلنگرها، در نظر داشتن ویژگی‌های اجتماعی-روانشناختی-فرهنگی، داشتن یک شبکه سیاستی، جلب حمایت سیاست‌گذاران، همکاری ذی‌نفعان سیاست، آگاهی داشتن از ترجیحات ذی‌نفعان سیاست، گنجاندن پویایی و انعطاف‌پذیری، ملاحظات اخلاقی و شفافیت بود. باید عنایت داشت که مطالعات پیشین، به فراخور نوع مطالعه (بنیادین یا کاربردی) از الزامات اجرای سیاست‌گذاری یاد کرده‌اند. موسوی و همکاران (۱۳۹۵)، بر ایجاد واحدهای تلنگری پیشنهاد سیاستی به سیاست‌گذار تاکید داشتند. رهبر و امیری (۱۳۹۳) نیز معتقد بودند در اقتصاد رفتاری، سیاست‌ها باید بر مبنای رابطه متقابل با محیط طراحی شود و شناخت از محیط، ما را به جهت‌گیری‌های جدید رهنمون می‌سازد. گامبرت (۲۰۱۹) نشان داد که طراحی محیط ممکن است حساسیت و ترجیحات افراد را تحت تاثیر قرار دهد. کوهنهناس (۲۰۱۹) معتقد است بینش رفتاری ابزاری برای تغییر شکل و طراحی سیاست جدید مبتنی بر شواهد در اختیار سیاست‌گذاران قرار می‌دهد.

پیشنهادها اول اینکه، در تدوین اجرای سیاست‌های رفتاری، باید از هرگونه اجبار شهروندان به انجام رفتاری خاص اجتناب نمود. در واقع، در اجرای هر سیاست رفتاری، بسته به موضوع مورد بحث آن، باید از دوزهای اندازه‌گیری شده قیم‌مآبی آزادمنشانه بهره برد. توصیه می‌شود تا حد ممکن از اعمال مجازات‌های مالی برای عدم اجرای سیاست خودداری شود و شرایط به گونه‌ای نباشد که عرصه برای شهروندان تنگ گردد. این امر منجر به بروز مقاومت از سوی شهروندان در برابر اجرای سیاست می‌گردد. این به منزله ارائه گزینه‌های بدیل منطقی با هدف حفظ اختیار شهروندان در تصمیم‌گیری می‌باشد. دوم، تعریف دقیق اصول و قلمرو حین تدوین و اجرای سیاست‌های رفتاری، الزامی است. بدین ترتیب که سیاست‌گذاران باید از اصول راهنمای بالادستی مثل اعمال الزامات فرآیندی خاص و یا حساب کردن روی مشارکت عمومی برای اجرای تغییر پیروی نمایند. به علاوه، مرزها و دامنه‌های کاربرد سیاست‌گذاری رفتاری باید به طور دقیق تعریف و مشخص گردد. سوم، مکانیزم‌های پیشنهادی فوق‌الذکر، در واقع استراتژی‌های کنترل سوگیری‌های شناختی به‌ویژه برای شهروندان هستند. این سوگیری‌ها متوجه سیاست‌گذاران هم می‌باشد. لذا باید به آنها هشدارهایی در مورد سوگیری‌های احتمالی تصمیم‌گیری‌هایشان ارائه کرد. به عنوان نمونه، گاهی در تدوین سیاست‌ها شاهد بروز سوگیری فرضیه‌ای هستیم که برای حذف یا تقلیل آن می‌توان متغیرهای بیشتر و متنوع‌تری را در تحلیل‌ها و در نتیجه، تدوین سیاست‌های رفتاری گنجاند.

چهارم، در تدوین سیاست‌های رفتاری باید روش‌ها و رشته‌های مختلف علمی را به کار گرفت چرا که سیاست‌گذاری رفتاری اساساً رویکردی چندروشی و چندرشته‌ای است. کاربرد بینش‌های رفتاری حاصل از علوم اعصاب، روانشناسی، طراحی، و اقتصاد رفتاری در تدوین سیاست‌های مورد نظر، استفاده از رویکردهای پژوهش‌های میدانی و آزمایشگاهی به عنوان روش‌های مکمل، و نیز یکپارچه‌سازی روش‌های مختلف گردآوری شواهد، اقداماتی در این راستا قلمداد می‌شوند. پنجم، استقرار آزمایشگاه‌های سیاست و واحدهای تلنگر از پیشنهاد‌های مهم به سیاست‌گذاران است. واحدهای تلنگر قادرند مجموعه‌ای از راهکارها را ارائه دهند که برگرفته از بینش‌های رفتاری هستند. به عنوان مثال در خط مقدم به‌کارگیری رویکرد رفتاری برای تغییر رفتار مردم در زمینه شیوع کرونا، تیم بینش‌های رفتاری (واحد تلنگر در دولت انگلستان)، کمپین «آرام باش و دست‌هایت را بشور» را پیشنهاد کرد. بر اساس مدل‌سازی‌های تیم بینش‌های رفتاری، این کمپین، توانست نرخ مرگ و میر ناشی از ویروس کرونا را در میان گروه‌های پرریسک تا یک سوم کاهش دهد. به علاوه، استقرار آزمایشگاه‌های سیاست رفتاری جهت اجرای پروژه‌های آزمایشی گسترده به توسعه استراتژی‌های اثربخش توسط واحدهای تلنگر کمک می‌کند.

ششم، بهره‌گیری از دانشمندان و متخصصان علوم رفتاری بسیار مورد تأکید است. این متخصصان سیاست‌گذاری رفتاری را می‌توان در واحدهای تلنگر سازماندهی کرد. به لحاظ ترکیب متخصصان، واحدهای تلنگر می‌تواند مرکب از متخصصان شواهدمحور، ارزیابان سیستماتیک، دانشمندان رشته‌های علمی مختلف و مطلعان کلیدی سازمان‌های دولتی و خصوصی باشد. تنوع در ترکیب متخصصان منجر به شکل‌گیری مداخلات رفتاری مطلوبتری گردد که از سایر ابزارها مثل مشوق‌های مالی، قوانین جزایی، مالیات، و ... برای تقویت اثرات مورد نظر بهره گرفته می‌شود. به علاوه، توصیه می‌شود این خبرگان/متخصصان در اجرای سیاست‌های رفتاری و تلنگرها دخیل باشند. هفتم، کارایی و اثربخشی سیاست‌های رفتاری و تلنگرها باید مورد ارزیابی قرار گیرد. سنجش کارایی و اثربخشی سیاست‌های تلنگرزی باید مورد به مورد و طی دوره‌های زمانی میان‌مدت و بلندمدت از طریق آزمایش‌های میدانی صورت گیرد تا میزان تغییرات رفتاری رخ داده در شهروندان مشخص گردد تا در صورت لزوم نسبت به اعمال اصلاحات لجستیکی جهت بهبود پیامدهای مورد نظر اقدام گردد. به علاوه، اثرات تلنگرها بر پیامدهای ناخواسته و نیز اثرات تعاملی میان تلنگرها و سایر مداخلات نیز باید مورد ارزیابی قرار گیرد. هفتم، ایجاد و استفاده از حلقه‌های بازخورد در حین اجرای سیاست‌های رفتاری و تلنگرها مفید است. حلقه‌های بازخورد را می‌توان به منظور آگاهی بخشی و به‌روزرسانی تلنگرزنده‌ها/سیاست‌گذاران ایجاد نمود. به علاوه، می‌توان از طریق آنها بر اثرات تجمعی و بلندمدت تلنگرها با استفاده از حلقه‌های بازخورد و فرآیندهای اساسی تلنگر تمرکز نمود.

هشتم، توصیه می‌شود قبل از اجرای سیاست‌های رفتاری و حتی در مرحله تدوین آنها، آزمایش‌هایی با تعداد کافی از آزمودنی‌ها صورت گیرد. در واقع باید تمامی مداخلات رفتاری را با استفاده از طرح‌های کنترل شده تصادفی با اندازه مناسب آزمون نمود. افزایش مقیاس مداخلات از سطح خرد به سطح میانه و کلان و نیز استفاده از گروه‌های متنوع و معرف جامعه یا دارای شباهت بیشتر به گروه هدف برای یک مداخله خاص، اقداماتی کلیدی در این زمینه می‌باشند. نکته حائز اهمیت در مورد سیاست‌های رفتاری آن است که تلنگرها همیشه و همه جا کار نمی‌کنند. تلنگرها، نوسدارو نیستند، اثرات آنها، در طول زمان باقی نمی‌ماند و نیاز به یادآوری هستند، یک تلنگر را نمی‌توان برای هر مورد و موضوعی تجویز کرد. بنابراین، استفاده از تلنگرها باید با دقت و آگاهی از محدودیت‌های آن باشد و حتی باید با سایر مداخلات دولتی انطباق داشته و تداخل یا تعارض نداشته باشد. با این حال، همچنان در مورد میزان اثرگذاری استفاده از تلنگرهای رفتاری در اصلاح رفتارهای افراد و نیز مرجع تعیین‌کننده رفتارهای صحیح تردیدهایی وجود داشته و نگرانی‌هایی در مورد سوءاستفاده از قیوم‌آبی آزادمنشانه توسط حکومت‌های استبدادی و شرکت‌های بزرگ وجود دارد. تصمیم‌سازان و سیاست‌گذاران باید فرآیند تصمیم‌گیری شهروندان را تحلیل نمایند، انحرافات و موانع تصمیم‌گیری عقلایی را شناسایی کنند، فرآیند تصمیم‌گیری شهروندان را ممیزی کرده، عوامل زمینه‌ای موثر بر تصمیم‌گیری را احصا کنند و در نهایت بر فرآیندهای شناختی و رفتارهای بعدی تسهیل شده توسط یک تلنگر و نه صرفاً بر هدف نهایی آن متمرکز شوند. بدون شک تدوین یک سیاست خود مستلزم تعریف دقیق مساله است. در واقع، سیاست‌گذاران در وهله اول باید عناصر مساله را شناسایی کرده و مد نظر داشته باشند. در این راستا، می‌توان از کلان‌داده‌ها برای تشخیص مساله و تولید شواهد مربوط به مساله استفاده کرد. سرانجام، انتخاب منابع اطلاعاتی و کانال‌های ارتباطی مناسب در اجرای سیاست‌های رفتاری و تلنگرزی بسیار حائز اهمیت است. شهروندان به شدت از منبع ارائه پیام تأثیر می‌پذیرند و به تناسب وزن و اهمیتی که برای منبع ارائه پیام قائل‌اند، واکنش نشان می‌دهند. بسته به موضوع و هدف رفتاری، منابع مختلف اطلاعاتی می‌توانند به منظور اثرگذاری بیشتر ارائه پیام به کار گرفته شوند. مثلاً در حوزه سلامت، تأثیرگذاری سخن از جانب متخصصان سلامت بیشتر است. بنابراین، استفاده از منابع قابل اعتماد و معتبر اطلاعاتی باید در دستور کار قرار گیرد. همچنین، کانال‌های رسانه‌ای/پوشش رسانه‌ای مناسبی باید جهت ارسال محتوای مناسب به کار گرفته شود.

با توجه به تجربیات انجام این پژوهش به پژوهش‌گران آینده پیشنهاد می‌شود شناسایی شبکه محققان حوزه سیاست‌گذاری رفتاری با استفاده از تحلیل شبکه اجتماعی نیز می‌تواند بینش گسترده‌تری در مورد فعالین این حوزه علمی و پژوهشی فراهم می‌آورد. با توجه به اینکه برخی از استراتژی‌های پیشنهادی در حال حاضر در بخشی از شرکت‌های خصوصی مثل دیجی‌کالا یا سازمان‌های غیرانتفاعی مثل شهرداری تهران در حال پیاده‌سازی است، لذا می‌توان به محققان آینده پیشنهاد کرد که به بررسی تفصیلی پیامدهای اجرای این استراتژی‌ها و آسیب‌شناسی آنها بپردازند تا درک بهتری از میزان اثربخشی این تلنگرها در فضای فرهنگی حاکم بر کشور ایجاد گردد.

## منابع

1. Aldwin, R. (2014). From regulation to behaviour change: giving nudge the third degree, *The Modern Law Review*, 77(6), 831–857.
2. Amiri, M. (2016). Behavioural Economics and tax running, *Economic Research Quarterly*, 17(64), 95-130 (In Persian).
3. Ansari, H., Porfaraj, A., & Zareh, M. (2014). Introduction to behavioural economics: concept, methodology and preferences extraction, *Journal of Comparative Economics*, 2(1), 37-71. (In Persian).
4. Bynum, C., Sze, C., Kearns, D., Polovick, B., & Simon, K. (2018). An examination of a voluntary policy model to effect behavioral change and influence interactions and decision making in the freight sector, *Transportation Research Part D*, 61, 19-32.
5. Dede, O. C. (2019). Behavioral policies and inequities: the case of incentivized smoking cessation policies, *Journal of Economic Methodology*, 26(3), 272-289
6. Deloitte (2012). From the bottom up influencing citizen behaviours to achieve policy outcomes, London.
7. Dolan, P., Hallsworth, M., Halpern, D., King, D., & Vlaev, I. (2010). Mindspace. Influencing behaviour through public policy. Cabinet Office, *Institute for Government*, 64-68.
8. Fabbri, M., & Faure, M. (2018). Toward a “constitution” for behavioral policy-making, *International Review of Economics*, 65, 241–270.
9. Galizzi, M. M. (2014). What is really behavioral in behavioral health policy? And Does It Work? *Applied Economic Perspectives and Policy*, 36(1), 25-60.
10. Granco, G., Stamm, J. L. H., & Bergtold, J. S. (2019). Evaluating environmental change and behavioral decision-making for sustainability policy using an agent-based model: A case study for the Smoky Hill River Watershed, Kansas, *Science of the Total Environment*, 695, 133769.
11. Gumbert, T. (2019). Anti-democratic tenets? behavioural-economic imaginaries of a future food system, *Politics and Governance*, 7(4), 94-104
12. Hursh, S. R., & Roma, P. G. (2013). Behavioral economics and empirical public policy, *Journal of the Experimental Analysis of Behavior*, 99(1), 98-124.
13. Keshavarz, Z., Simber, M., Ramezankhani, A., & Porreza, A. (2015). Prioritizing policy setting in improvement of health behaviours of women workers, *Salamat Peiavard*, 10(1), 36-50. (In Persian).
14. Kuehnhanss, C. R. (2019). The challenges of behavioural insights for effective policy design, *Policy and Society*, 38(1), 14-40.
15. Lee, N. R. (2018). Policymaking for citizen behavior change : a social marketing approach, first edition, Routledge.
16. Manzor, D., & Taheri, M. (2012). Economic rationality in the critique of behavioural economics, *Economic Research and Policies Quarterly*, 21(68), 159-174. (In Persian).
17. Mousavi, Z., Karimi, A., & Tahamtan, A. (2015). Application of behavioural economics in public policy, The committee for theories and structures. (In Persian).
18. O’Hara, B. J., Grunseit, A., Phongsavan, P., Bellew, W., Briggs, M., & Bauman, A. E. (2016). Impact of the swap it, don’t stop it Australian national mass media campaign on promoting small changes to lifestyle behaviors, *Journal of Health Communication*, 21(12), 1276-1285.
19. Rahbar, F., & Amiri, M. (2013). Behavioural economics and public policy, *Planning and Budget Quarterly*, 19(4), 147-182. (In Persian).
20. Seyedghorban, Z., Matanda, M. J., & LaPlace, P. (2016). Advancing theory and knowledge in the business-to-business branding literature. *Journal of Business Research*, 25, 2664-2677.

21. Strassheim, H. (2020). De-biasing democracy. Behavioural public policy and the post-democratic turn, *Democratization*, 27(3), 461-476.
22. Tummers, L. (2019). Public policy and behavior change, *Public Administration Review*, 79(6), 925-930.
23. Vannoni, M. (2019). A behavioral theory of policy feedback in tobacco control: evidence from a difference in difference in difference study, *Policy Studies Journal*, 47(2), 353-371.